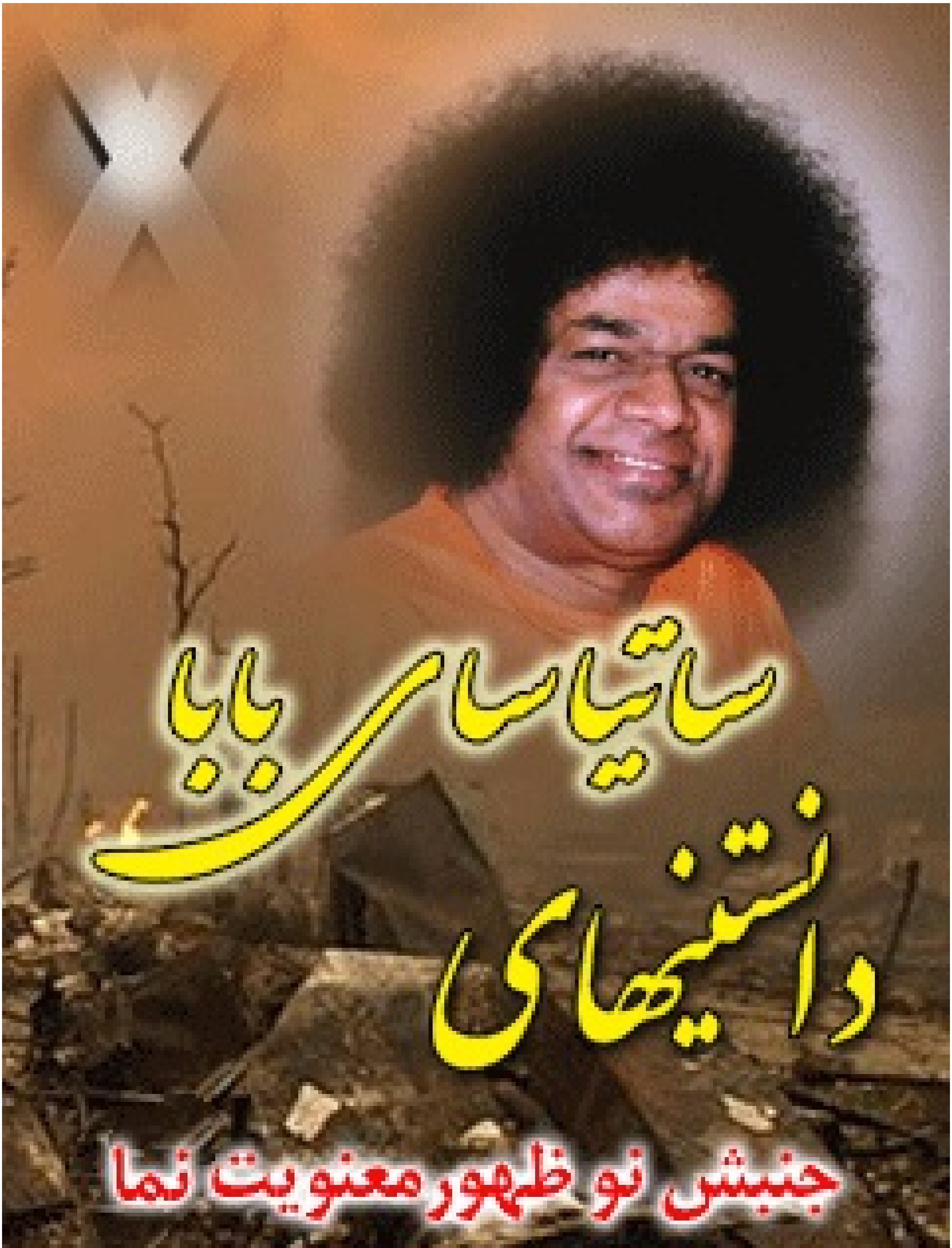

ساتیا سای بابا
داستانهای
جنبش نو ظهور معنویت نما

بسم الله الرحمن الرحیم

دانستنیهای ساتیا سای بابا (جنبش نوظهور معنویت نما)

نویسنده:

واحد تحقیقات مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

دانستنیهای ساتیا سای بابا (جنبش نوظهور معنویت نما)

مشخصات کتاب

سرشناسه:مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان،۱۳۹۱

عنوان و نام پدیدآور:دانستنیهای ساتیا سای بابا (جنبش نوظهور معنویت نما)/ واحد تحقیقات مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

گرداوری مطالب از کلیه سایت های مربوطه جمع آوری و ویرایش شده است.

مشخصات نشر دیجیتالی: اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان ۱۳۹۱.

مشخصات ظاهری: نرم‌افزار تلفن همراه و رایانه

موضوع: فرقه‌ها - جنبش‌های نوظهور

ساتیا سای بابا

تاریخچه

یکی از گروه‌های عرفانی در هند موسوم به «سای بابا» است.

بنیانگذار این فرقه شخصیست به نام «باگوان شیردی سای بابا» و نام دیگر او «یا سو آمی ساتیا سای بابا». وی در سال ۱۹۲۶ میلادی در یکی از ایالت‌های هندوستان به دنیا آمد. سای بابا در سن چهارده سالگی، مدعی شد از سوی خداوند برای هدایت همه‌ی آدمیان برگزیده شده است.

وی دین خود را حاکم بر همه‌ی ادیان و ناظر به همه‌ی آنها دانست. در عین حال، مدعی شد، اعتقاد به پیام او با گرایش به ادیان رایج منافاتی ندارد. به همین دلیل می گفت:

«من روحانی هیچ یك از ادیان نیستم. برای تبلیغ هیچ دینی نیز نیامده‌ام. من آمده ام که هندو، هندوی بهتری، مسلمان، مسلمان بهتری و مسیحی، مسیحی بهتری باشد». وی معجزه‌ی خود را صرفاً ایجاد تحول در درون انسان‌ها دانست و اصول دعوت خود را بر پایه پنج ارزش انسانی «حقیقت، پرهیزگاری، صلح و آرامش، عشق و در آخر پرهیز از خشونت» بنا نهاد. وی عصاره‌ی همه ادیان را در این پنج حقیقت می‌داند. سای بابا راه‌های به سوی خدا را متکثر می‌داند، اما مقصد همه را واحد. سای بابا به پیروان خود تأکید می‌کند که مراقبه‌های روزانه داشته باشند و نامهای خداوند را به طور روزانه بخوانند. سای بابا برای دعوت خود معبد بزرگی به نام پراشانتی نیلایام به معنای آشیانه‌ی صلح برین، تأسیس کرده است.

در معبد او به مناسبت اعیاد همه‌ی ادیان، مراسم برگزار می‌شود. در اعیادی هم چون کریسمس، عید فطر، عید نوروز، سال نوی چینیان و اعیاد هندوها مراسمی به همین مناسبت‌ها در معبد او بر گزار می گردد.

سای بابا به تناسخ و قانون کارما معتقد است و بر این اساس پیش گوی کرده است که در سن ۹۶ سالگی این جسم خود را ترک خواهد کرد و هشت سال بعد روح او در جسمی دیگر در شهر میسور به بدن فردی دیگر منتقل خواهد شد.

در مورد او کارهای عجیبی نقل می کنند که برای انسانی که نبی خدا هم نیست، شبیه تخیل می‌ماند. از جمله این که: در زمان تولد ساتیا، تمام وسایل موسیقی به خودی خود شروع به نواختن موسیقی دلنشین کردند، یا به هنگام تولد در زیر گهواره‌اش یك مار کبرا پیدا کردند که در آیین هندی به معنای ظهور فرد روحانی است.

از کودکی، از پاکت خالی نوشت افزار مدرسه بیرون می‌آورد و میان بچه‌های بی‌بضاعت تقسیم می‌کرد! چنین کراماتی را صوفیان هم برای بزرگانشان ساخته‌اند!!

تناسخ و کارما تناسخ از ویژگی‌های مشهور ادیان و آیین‌های هندی است.

سای بابا نیز این مسأله را جایگزین معاد نموده است.

مدعای معتقدان به تناسخ اینست که روح انسان به هنگام مرگ، یک سلسله‌ی توالد را سپری می‌کند و به صورت متوالی از علمی به عالم دیگر در می‌آید. بار دیگر به هنگام مرگ، به پیکری دیگر منتقل می‌شود و این چرخه تا بی نهایت ممکن است تداوم داشته یابد. البته انتقال ارواح از جسمی به جسمی دیگر لزوماً در یک سطح نیست. مثلاً گاهی در قالب نباتات و درختان و زمانی به شکل حیوانات نمودار شود. کرمه یا کارما که بر اساس آن کیفیت و چگونگی توالد ثانوی و علت انتقال روح یک فرد به جسدی دیگر را توضیح می‌دهد. قانون کرمه در حقیقت همان نظام علّی و معلولیست که مورد قبول ما نیز است؛ اما سخن در اینست که اینان گمان می‌کنند حیات بعدی در همین دنیا و در تولدی مجدد در قالب موجود دیگر است.

بررسی تناسخ و کارما معتقدان به تناسخ، که طیف وسیعی از مکاتب و آیین‌های سنتی معنوی را شامل می‌شود، درباره‌ی مدت و زمان چرخه‌ی تناسخ اختلاف نظر دارند؛ برخی آن را سی هزار سال می‌دانند و گروهی دیگر می‌گویند ممکن است تا میلیون‌ها سال طول بکشد.

در نقد این دیدگاه اشکالات فراوانی وجود دارد، که به چند نمونه بسنده می‌کنیم:

هر نفسی در این عالم، با توجه به کارهایی که انجام می‌دهد، از قوه بودن خارج و فعلیت می‌رسد و هرگز امکان ندارد چنین نفسی بار دیگر به درجه‌ی قوه‌ی محض نزول کند و به بدنی تعلق بگیرد که در حالت جنینی و قوه‌ی محض است.

همان طور که بدن حیوان بعد از کامل شدن امکان ندارد به حالت نطفگی باز گردد. البته در دیگر مقالات مربوط به عرفانهای نوظهور هندی، مفصل به بحث در مورد رد تناسخ پرداخته‌ایم. سای بابا و تبلیغ کثرت گرایی عرفانی در آیین سای بابا کثرت گرایی عرفانی تبلیغ می‌شود. وی تصریح می‌کند که همه‌ی ادیان حقّند و هیچ تفاوتی با یک دیگر ندارند، هر چند دین خود ساخته‌ی خویش را کامل‌ترین آنها می‌داند و آن را به منزله‌ی صد می‌داند که چون کسی آن را داشته باشد، حقیقت همه‌ی ادیان دیگر را که همگی از صد کمتر هستند، خواهد داشت. وی می‌گوید:

تمامی ادیان به سوی یک هدف رهنمون می‌شوند و تمامی انسان‌ها برادران یک دیگرند. [۷] همه مذاهب تنها به یک خدا تعلق دارند و به سوی یک مقصد رهنمون تان می‌سازند، ادیان در اصل هیچ تفاوتی با یکدیگر ندارند. تضاد باید این نکته را مورد توجه قرار داد که بسیاری از مدعیان کثرت گرایی عرفانی، هر چند در لفظ چنین ادعای را دارند، اما در عمل به این باور خود پایبند نیستند. اغلب اینان تنها راه نجات را پیروی از مرام و مسلک ادعایی خود می‌دانند. ادعای درستی ادیان دیگر برای پیروان خود از سوی امثال سای بابا ادعایی ظاهری و صرفاً به منظور تبلیغ و جذب افراد بیشتر است و الا آنان به خوبی می‌دانند کسی که به تعالیم اسلام پایبند باشد، هرگز نمی‌تواند به تعالیم و آموزه‌های آنان تن دهد. به همین دلیل به پیروان خود اجازه‌ی گرایش به اسلام یا ادیان دیگر را نمی‌دهند. آنها تأکید می‌کنند برای آن که تعالیم آنان بتواند اثر گذار باشد، افراد باید دست از همه‌ی باورهای ذهنی و درونی پیشین خود بردارند. آیا این معنایی جز انحصار گرایی و انکار کثرت گرایی دارد؟

به راستی چگونه همه‌ی ادیان حقاً در صورتی که اعتقاد یک دین با دین دیگر در تضاد است؟!

جادو یکی از شاخص‌های عرفان‌های جدید استفاده از نیروهای جادویی و سحرآمیز است.

که البته در زندگی یک نواخت و ماشینی و به دور از معنویت انسان معاصر می‌تواند تنوع جالبی را ایجاد کند و به جذب افراد زیادی منجر شود. به خصوص در مواردی که یک مدعی رهبر فرقه‌ای معنوی توانایی خود را به خداوند نسبت بدهد، در این

صورت کارهای جادویی به جای کرامات معنوی اولیاء خدا ارائه می‌شود و روی مردم تأثیر بیشتری می گذارد. سحر و جادو از زمان حضرت سلیمان – عَلَیْهِ السَّلَام – در بین مردم رواج یافت. گروهی از مردم با افرادی از جن که در تسخیر حضرت سلیمان – عَلَیْهِ السَّلَام – بودند، ارتباط برقرار کرده و با کفر ورزیدن به قدرت خداوند، سحر و جادو را از اجنه آموختند و از تعالیم آن پیروی کردند.

«وَ اتَّبَعُوا ما تَتْلُوا الشَّیاطینُ عَلی مُلْکِ سُلَیمانَ وَ ما کفَرَ سُلَیمانُ وَ لکنَّ الشَّیاطینَ کفَرُوا یعَلِّمُونَ النّاسَ السِّحْرَ»

پس از آن سحر و جادو در زندگی مردم مشکلاتی را ایجاد کرد و خداوند با فرستادن دو فرشته در بابل راه‌های باطل کردن سحر را به مردم آموخت ولی مردم از آن دو چیزهایی را فرا گرفتند که برایشان فایده‌ای نداشت.

بسیاری از مردم گمان می کنند کارهای خارق‌العاده نشانه‌ی حقانیت یک مکتب می تواند باشد.

مدعیان و سود جویان نیز از همین سادگی مردم استفاده کرده و با قدرت‌های که به دست می‌آورند سعی می کنند با انجام کارهایی که از توان عموم مردم خارج است و یا پیشگویی‌ها و پیش بینی‌هایی درباره‌ی حوادث روز مره، چنین جلوه دهند که همه‌ی سخنان آنان حق است و مهر تأیید الهی دارد. هرگز نمی‌توان انجام کارهای خارق‌العاده را نشانه‌ی حقانیت و درستی راه و روش یک عارف دانست. هر چند برخی از کارهای خارق‌العاده در اثر توانمندی‌ها و استعدادهای خدادادی است؛ اما بسیاری از آنها معلول ریاضت‌ها و تمرین روحی و گاهی شیطانی است.

توضیح این که، روح انسانی دارای قدرتی خارق‌العاده و شگفت انگیز است.

هر انسانی اگر بتواند غرایز حیوانی را سر کوب نماید، می‌توان از قدرت خارق‌العاده‌ی روح خود استفده کند.

سنت الهی در این عالم به این صورت است که هر کس به هر میزان و به هر انگیزه‌ای که تلاش کند، از حاصل تلاش خود بهره می‌برد. البته گاهی توانایی و قدرت شیطانی است و از راه ارتکاب بدترین خبائث به دست می‌آید. کارهای خارق‌العاده‌ی ارزش دارد که در سایه‌ی عمل به دستورات الهی به دست آمده باشند، هر چند هیچ عارف حقیقی عملی را برای دستیابی به کارهای خارق‌العاده انجام نمی‌دهد، زیرا عرفان حقیقی چیزی جز معرفت و تقرب به خدا نیست. آیا نباید با رشد فکری و عقلی بشر نوع اعجاز نیز تغییر نماید؟ به حق باید اعجاز پیامبر آخرین از سنخ سخن باشد، تا مردم با تأمل در آن حقیقت را در یابند و آن معجزه قرآن است وبس. هانری کربن فرانسوی مطلبی دارد به این مضمون: دینی (قرآنی) که بی‌شمار آیاتش در مورد تفکر و تعقل است نمی‌تواند خرافی باشد، زیرا با تفکر انسان خوب را از بد تشخیص می‌دهد. سای بابا خدای خیالی فطرت انقیاد و خضوع، انسان را وا می‌دارد که در برابر منبع کمال سر تعظیم فرود آورد و به سجده و ستایش روی آورد. تجربه‌ی ملکوتی و فطری انسان از حضور در محضر کمال و قدرت مطلق الهی که به ربوبیت او شهادت داده و تجربه‌ی خضوع و خشوع در برابر خدا اگر چه از یادش رفته باشد، شناختش در باره‌ی او باقی است.

در این جهان نیز انسان به طور فطری در جستجوی حقیقتی متعالی است، تا در برابر وی خضوع کند.

برای انسان‌هایی که خدای حقیقی را فراموش کرده‌اند این تمنای فطری تبدیل پذیر و از بین رفتنی نیست، بلکه به صورت‌های نادرست و غیر حقیقی سر بر کشیده و به طور فریبنده‌ای مورد عمل قرار می گیرد.

در دنیایی امروز با تمام پیشرفت‌هایی که انسان معاصر داشته، به علت ناتوانی تشخیص و ارضای راستین این کشش فطری به پرستش خدایی از جنس خویش روی آورده است.

سای بابا مدعیست که خدای خالق در او حلول کرده و معجزه‌اش تولید انبوهی خاکستر با دستش است.

وی مردم را به ستایش و پرستش خویش فرا می‌خواند و فطرت‌های تشنه‌ی انقیاد و خضوع که حقیقت را نشناخته‌اند، ناگزیر در برابرش زانو می‌زنند. او به هوادارانش این متون و اذکار را توصیه می کند، تا در حالت آرامش و توجه کامل در برابر او بخوانند:

خودتـان را محصور من بدانیـد، به من مشغول باشید جنون بابا را در زنـدگی تان خلق کنیـد، باور کنیـد که از این جنون شـیرین‌تر نیست به عشق هم عـادت کردیم، همه این سال ها، فرم‌های مختلفی از عشق را برای شـما گرفتم مثل کودکی پرورش تان دادم، مثل پـدر و مادری عاشق، تا رشد کنید من فرم برادر و خواهرتان را به خود گرفتم ... من آمده‌ام تا سـعادت بدهم، من آمده‌ام تا ببخشـم هیـچ منظور دیگری از موجودیت من نیست همه اضـطراب و مشـکلات خود را به من بسـپارید و از من آرامش بگیرید بیا و مرا پیدا کن و خودت را پیـدا کن از نزدیک به من نگاه کنیـد، به فراسوی فرم بدن و درون نگاه کنید سای بابا خود را برهما، خدای خالق و هستی بخش می‌پندارد و از مردم می‌خواهد، تا او را سـتایش و تعظیم کنند؛ به او عشق بورزند، تا به آرامش و عشق برسـند؛ آرامش و عشـقی که در ملکوت تجربه کرده‌انـد، فطرتشـان ار آن آگـاه است و در این جهان نیز به دنبال آن می‌گردنـد. حال این که کمال مطلقی که فطرت خواهان خشوع در پیش گاه اوست کجا و یک انسان نیازمند و محدود کجا؟

****

منابع

۱. آفتاب و سایه‌ها، نگرشی بر جریان‌های نوظهور معنویت گرا، دکتر محمد تقی فعالی، نشر نجم الهدی،

۲. جریان شناسی انتقادی عرفان‌های نوظهور، حمید رضا مظاهری سیف، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

۳. در آمدی بر عرفان حقیقی و عرفان کاذب، احمد شریفی، انتشارات صهبای یقین.

۴. محمد تقی مصـباح یزدی، در جسـتجوی عرفان اسـلامی، مرکز انتشارات موسـسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره)، چاپ اول، تابستان ۱۳۸۶، قم.

تهیه کننده:

محمود کریمی

منبع:

اختصاصی راسخون manaviatenovin. com

بخش مقالات

شیردی سای بابا

شیردی یک معلم روحانی بود که طرفداران تمام مذاهب هندو، از هر طبقه‌ای به او به دیده احترام می‌نگریسـتند و از تعالیم و نصایح او بهره می‌بردند. (۴) تَجَلِّی خداوند و ساتیا سای بابا آواتار از سنگهای اصلی بنای عظیم خداشناسی هندوست. ما تنها در آیین هندو بـا مفهومی به نـام آواتـار، که تَجَلِّی امر مطلق در جهـان خاکیست روبرو می‌شویم. در واقع بر اساس آیین هنـدو مسؤولیت ویشـنو به عنوان حافظ جهان ایجاب می‌کند که او در هنگام بروز مخاطرات جدی برای جهان و موجودات آن به شکل موجودی زمینی متولد شود و جهان را از نابودی برهاند.

تقریباً تمامی آواتارهای هندو تجسم‌های ویشنو هستند.

این آواتارهـا همواره حامـل خرد و دانشـی هسـتند که برای حفـظ بقای جهان ضـروریست (۵) در مسـلک هندوئیسم بنا بر وضـعیت طبیعی جهان ضروریست که همواره زمین خاکی از آواتار خالی نباشد.

تا او اساس عقیده (دارما) را تحقق بخشد.

دارما به معنای مسـیر اصـلی زنـدگی شـخص بـدون دخالت و ضـربه زدن به منافع و زنـدگی دیگران و بـدون تجاوز به آزادی دیگر

اشخاص است به عبارت دیگر دارما به معنای اینکه آنچه را که دوست داری دیگران در حق تو انجام دهند در حق دیگران انجام دادن و به طور کلی ایجاد یک وحدت منظم بین گفتار و پندار و کردار انسانهاست.

وجود آواتار بر روی کره زمین ضروریست تا تحقق دارما را عملی سازد. آواتار به صورت انسان به عنوان دوست، نیکخواه بشر خویشاوند، راهنما، معلم، درمان کننده، شفا بخش و شریک در بین انسانها زندگی می کند.

وجود آواتار برای اعاده دارما ضروریست و هنگامی که انسان بر اساس دارمایش زندگی می‌کند آواتار خوشحال و خشنود خواهد بود (۶) اما نکته اینجاست که ساتیا سای بابا در تعلیمات عرفانی به شاگردان، خود را یک آواتار معرفی می کند.

آواتاری که نقش معلم حقیقت را بازی می‌کند کسی که آمده تا دوران جدیدی را در تعلیمات کهن معنوی بنا نهد و نقش یک نجاتگر بزرگ را ایفا کند.

سای بابا می گوید:

«تو نمی‌توانی مرا در طبقه بندی «مرد خدائی» یک معجزه‌گر، انسان خدا گونه یا شفا دهنده قرار دهی. این آواتار برای ایفای نقش جدیدی آمده نقش معلم حقیقت «. (۷) بدین سان در گام نخست ساتیا سای بابا، به عنوان آواتار با نقش نوینی در صحنه ارشاد به عنوان یک معلم حقیقت جلوه می کند.

سپس برای معرفی خود و ابراز ویژگیها و توانائیهای ذاتی خویش چنین سخن می گوید:

«هر که تمام اعمال و کارهایش را به من اهدا کند بدون هیچ فکر دیگری، هر که روی من مراقبه می‌کند به من خدمت می‌کند، مرا پرستش می‌کند، مرا به خاطر دارد، بداند همیشه با او هستم ... به آنهایی که مرا استهزا می‌کنند تبسم می‌کنم به آنها که در باره من دروغ جعل می‌کنند تبسم می‌کنم، به آنها که مرا تمجید می‌کنند تبسم می‌کنم دائم شادم پر از شعف. تند صحبت می‌کنم و بعضیها را تنبیه می‌کنم، اگر آنها مال من نیستند آنها را رها می‌کنم و توجه به آنها نمی‌کنم این هشداریست برای ارتداد آنها. من حق دارم آنهایی را که به من تعلق دارند گوشمالی بدهم، من بین شما راه می‌روم و صحبت می‌کنم، تربیت می‌دهم نشان می‌دهم، نصیحت می‌کنم و اندرز می‌دهم اما از هر نوع وابستگی جدا هستم خیلی وقتها به شما گفته‌ام که مرا با این ساخت فیزیکی مربوط ندانسته و یکی فرض نکنید اما شما نمی‌فهمید». (۸)

ساتیا سای بابا در مورد قدرت و توانایی خویش چنین می گوید:

«من شما را مجبور نمی‌کنم که نام و شکل به خصوصی از من انتخاب کنید خداوند میلیونها نام و شکل دارد ... اگر به عنوان نارااینا (narayena) (یکی از نامهای خداوند) با چهار بازو در حال نگه داشتن صدف، چرخ، گرز، نیلوفر بین شما آمده بودم شما مرا در یک موزه نگه می‌داشتید و از مردمان جستجوی دارشان پول دریافت می‌کردید. اگر صرفاً به عنوان یک مرد آمده بودم به تعلیمات و آموزش‌های من با دیده احترام نگاه نمی‌کردید و از آنها به خاطر خوبی خودتان پیروی نمی‌کردید پس من باید در این شکل ولی با دانش و نیروهای فوق بشری باشم» (۹). سای بابا می گوید:

ماموریت من اعطاء شوق و شادی به شماست که از ضعف و ترس دورتان کنم. ماموریت من پراکندن شادمانی است از این جهت همیشه آماده‌ام میان شما بیایم نه یکبار دو بار یا سه بار هر زمان که شما مرا بخواهید. اسمم ساتیا، من راستی هستم اعمالم ساتیا جلال و شکوه من ساتیا تنها آرزوی من شادمانی شماست.

شادی شما شادی من است شادمانی جدا از شما ندارم. سای بابا در ادامه می گوید:

قدرت من غیر قابل اندازه گیری است.

تولد من غیر قابل توضیح و غیر قابل درک و پیمایش است.

اصل سای، الوهیت سای، هرگز تحت تاثیر بد گویی و افترا، پیشرفتش متوقف نمی‌شود. (۱۰) لازم به ذکر است که در میان تمام

رهبران عرفانهای نوظهور مسأله «خود بزرگ بینی» مشهود است.

به عنوان مثال بسیاری از این رهبران (از جمله اوشو، کریشنا مورتی و) ... در خلال نوشته‌ها و سخنرانی‌هایشان به کرات اذعان می‌دارند که هنگام تولدشان اتفاقات نادری پیش آمده و یا از قبل منجمان و غیب گویان بزرگ، آمدنشان را وعده داده‌اند.

اما روش ساتیا سای بابا به گونه‌ای دیگر است.

او به واسطه پیشینه ممتازی که مفهوم اواتار در تعالیم هندو دارد و همچنین مقبولیت فراگیری که هندوئیسم، نه تنها در هندوستان بلکه در جهان دارد سعی می‌کند خود را به این مفهوم پهناور وصل کرده، در جهت نیل به «خود بزرگ بینی» گامهای بزرگتر و استوار تری بردارد. حال آن که اینان ادعاهای بزرگیست که رهبران عرفانهای نوظهور برای آن دلیل محکمی ندارند و صرف داشتن نیروهای خارق‌العاده که به واسطه ریاضتها و ذکرهای مداوم حاصل شده و در میان مرتاضان کشورهای گوناگون بالاخص کشورهای اسیای شرقی فراوان است، نمی‌توان منجی جهانی بودن آنها را اثبات کرد. مفهوم خدا باوری در عرفان سای بابا خداشناسی درون مایه تمام باید و نبایدهای مکاتب و مسالکیست که رویکرد به منبع قدسی را جزء لا ینفک عقاید خو پنداشته‌اند.

در تمام اعصار گوناگون خداشناسی در تفکرات مذهبی کانونی است که ذهن پژوهشگر را ناخواسته به سوی خود جذب می‌کند.

در مسیر کنکاش مباحث دینی اولین قدم متفکر برخورد با بزرگترین سؤال ممکن در حیطه کاری اوست که آیا خدا هست یا نیست؟

تاریخ ادیان گذشته اغلب گواه بر مثبت انگاری به سؤال فوق است هر چند موجی از مکاتب عرفانی در غرب، از دهه‌های گذشته سعی بر حذف این سؤال و یا پاسخ منفی بدان را بر گزیده‌اند.

در هر حال پاسخ بسیاری از مکاتب دینی دال بر صدق این مطلب است.

در گام بعدی، مسأله بر سر تعدد خدا یا یگانگی اوست، در هندوئیسم و مذاهب منشعب آن، بحث چند خدایی همواره پر رونق بوده هر چند سای بابا به واسطه اقتباس از تعالیم هندو، به انواع تجلیات خداوند معتقد است؛ اما بر خلاف کتب مقدس هندوئیسم بیشتر بر خدای اعلی تکیه دارد. چنانچه همواره در تعالیم او بحث از خدا با تکیه بر وحدانیت شکل می‌گیرد.

ساتیا سای بابا می‌گوید:

همه ادیان یک چیز را تعلیم می‌دهند (تطهیر ذهن از آسیب خود خواهی و پرهیز از لذت‌های بی‌ارزش) هر آیینی به انسان می‌آموزد که وجود خویش را سرشار از شکوه و جلال ایزدی کند و از حقارت و پوچی و خود خواهی بپالاید. راه و روش تفکیک و تشخیص را به او تعلیم می‌دهد تا شاید به تعالی برسد و به آزادی دست یابد. بدانید که همه قلبها تنها به یاد (یکی) که همان خداوند یکتاست به طپش در می‌آید و همه نامها و همه اشکال الهی نیز به خداوند یگانه اشاره دارند. برترین نحوه ستایش او ستایش با عشق است.

یکتا پرستی را در میان مردم از هر کیش، کشور و قاره ترویج دهید. اینست پیامی که دارم و آرزو می‌کنم با قلبهایتان آن را در یافت کنید. (۱۱) سای بابا می‌گوید:

«مهمترین و بالاترین نیاز بشر امروزی اینست که این واقعیت را بپذیرد که خداوند یکیست این چیزیست که مسیح و محمد اعلام کرده‌اند.

کلمه الله واقعاً به معنی یگانه‌ی متعالیست که همه چیز را در عالم هستی در بر می‌گیرد.

باور اصلی تمام ادیان اینست که خداوند یکی است.

مسیح، پدر بودن خداوند و برادر بودن بشر را اعلام نمود انسان می‌تواند تنها یک پدر داشته باشد نه دو تا زمانی که مسیح به دنیا آمد، سه مرد خردمند ستاره‌ها را دنبال کردند تا به محل تولد او برسند. با دیدن نوزاد تازه به دنیا آمده، آنها در دل خود به این

کودک الهی تعظیم کردند.

قبل از ترک محل هر یک از آنها چیزی درباره کودک گفت، خردمند اول به حضرت مریم گفت:

او عاشق خداوند است.

خردمند دوم گفت:

خداوند او را دوست دارد، خردمند سوم گفت:

او روح خداست.

اهمیت درونی این سه گفتار و اعلام در مورد مسیح چه می‌تواند باشد؟ جمله اول دلالت بر این دارد که مسیح پیام آور حق است. پیام آور می‌تواند ارباب خود را دوست بدارد ولی ارباب به این آسانیها پیام آور خود را دوست ندارد. جمله دوم اعلام می‌کرد که خداوند مسیح را دوست دارد، چرا؟ برای اینکه او تَجَلّی الهی است.

جمله سوم حاوی چیزیست که مسیح اعلام نمود:

من و روح خدا یکی هستیم. (۱۲) ساتیا سای بابا همواره اذعان می‌دارد که تمام انسانها نمادی از خداوند هستند و اینکه هر پیکر اوست که با نان تقویت می‌شود و هر قطره از خون جاری در رگهای هر موجود زنده‌ای، خون اوست که با شور و تحریکی که شراب به آن می‌رساند روح می‌گیرد از همین رو می‌توان گفت که هر انسانی تجسم روح خداوند است و باید همانند او مورد احترام قرار گیرد.

شما مانند یک خدمتگزار عمل می‌کنید، پرستش می‌کنید، همانند پسری که پدر خود را میستاید و نهایتاً به خردی دست می‌یابید که بیانگر اینست که شما و او یکی هستید این سفری معنویست و مسیح راه را با عبادت واضح نشان داده است.

سای بابا این گونه ادامه می‌دهد که همه انسانها را تجسمی از الوهیت بدانید و با عشق، تفاهم و خدمت به آنها احترام بگذارید. تنها یک نابینا نسبت به شرایط ملال آور دیگران بی‌تفاوت می‌ماند. تنها یک نا شنوا از ناله‌های دیگران تاثیر نمی‌پذیرد. در حقیقت «دیگران» وجود ندارند. شما همه سلولهای زنده‌ای در بدن خداوند ید و هر سلول وظیفه‌اش را برای پیشبرد اراده وی به انجام می‌رساند. (۱۳) ساتیا سای بابا معتقد است که «خداوند شکلی را به خود می‌گیرد که سر سپرده‌ها آروز داشته‌اند.

دانستن اینکه تمام اشیاء خلق شده شکلی از خداو نداند بسیار اساسی است». (۱۴) سای بابا در مسأله خدا شناسی و پرداختن به خصوصیات خداوندی همواره از تعالیم هندو که مبتنی بر تعدد خدایان است فاصله می‌گیرد.

لکن در صدر و ذیل گفتارهایش درباره خداوند به پیامبران و ادیان توحیدی اشاره می‌کند.

این نکته در برخورد با موضع پلورالیسم دینی او پر اهمیت است.

سخن پایانی بر خلاف آنچه اغلب بیان می‌شود که عرفانهای نوظهور، عرفانهای منهای خدا هستند؛ باید گفت که این ادعا بیشتر با مکاتب دینی عرفانی طبیعت گرایانه موافق است.

همانند ادیان ابتدایی و برخی از عرفانهای افریقایی و امریکای جنوبی (عرفان کارلوس کاستاندا). حال آن که در عموم عرفانهای نوظهور (سکولار) به وجود خداوند اعتراف شده، لکن مسأله بر سر میزان اعتبار، اهمیت و قدرت تصرف در امور شخص سالک است.

در عرفان ساتیا سای بابا موضوع خدا باوری کم اهمیت جلوه می‌کند خداوند در روند تغیرات زندگی انسان نقش کم رنگی را اجرا می‌کند.

چنانچه هر اندازه الوهیت در عرفانهای توحیدی بالاخص عرفان اسلامی پراهمیت است در عرفانهای سکولار کم اهمیت و بی‌ارزش. سای بابا در قسمت دستورات عملی هیچگاه هدف و قصد انجام اعمال را توجه به خدا اعلام نمی‌دارد. چنانچه در این قسمت (بعد

عملی) هیچ اشاره‌ای به خـدا نمی‌شود. چنین موضع گیرهایی که در عرفان سای بابا و به طور کلی در همه عرفانهای سکولار به آن اشاره می‌شود بیشتر متاثر از اومانیسم غربی و مکاتب فلسفی همچون اگزیستانسیالیسم رونق می گیرند، هر چند نقش فراگیری نیهیلیسم دنیای غرب، که در اواخر قرن نوزده و بعد از مکتب فلسفی نیچه شکل می گیرد بر عرفان‌های سکولار حائز اهمیت است.

*****پی نوشت*****

۱. شاهزاده محمد دارا شکوه، اوپانیشاد، به سعی تارا چند و جلالی نائین سال ۱۳۴۰ چاپ تا با ن ص ۶۲۹

۲. دارام ویرسینگ، آشنایی با هندوئیسم، ترجمه سید مرتضی موسوی ملایری، انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی چاپ اول ۱۳۸۱ ص ۱۱۸

۳. سوآمی ساتیا سای بابا. زندگی من پیام من است، ترجمه پروین بیات انتشارات عصر روشن بینی چاپ اول ۱۳۸۲ ص ۱۰

۴. ساتیا پال روهلا. قریس سای بابا شیردی ترجمه حمد رضا جعفری انتشارات پیک ایران چاپ اول ۱۳۷۷ ص ۹

۵. ساتیا سای بابا گیتای جدید ترجمه مرتضی بهروان انتشارات آویژه چاپ اول ۱۳۸۲ ص ۱۹

۶. سوآمی ساتیا سای بابا عشق الهی او را جلوه گر سازید ترجمه پروین بیات انتشارات عصر روشن بینی چاپ دوم ۱۳۸۴ ص ۵

۷. سیما کوندار، تراشهای الماس خداوند ترجمه طاهره آشنا، انتشارات تعالیم مقدس چاپ دوم ۱۳۷۷ ص ۲۶۰

۸. همان ص ۱۰۶

۹. همان ص ۱۱۵

۱۰. همان ص ۱۶۸

۱۱. ساتیا سای بابا، تعلمیات ساتیا سای بابا، ترجمه رویا مصاحبی محمدی، انتشارات تعالیم حق چاپ اول ۱۳۸۳ ص ۳۱

۱۲. ساتیا سای بابا، سخنان ساتیا سای بابا ترجمه توراندخت تمدن (مالکی) انتشارات تعالم حق چاپ اول ۱۳۸۱ ص ۲۰۶

۱۳. همان ص ۹۶ – ۱۴. سیما کوندار تراشهای الماس خداوند ص ۹۰

منبع:

دو هفته نامه پگاه حوزه

نویسنده: محمد حسین کیانی

پایگاه راسخون

باگوان شیردی سای بابا، شخصیت، فریب‌ها و ادعاها

حدود ۱۸۰ سال قبل در هند فردی به نام شیردی بابا معروف شد که یک روحانی با ایمان بود و انسان‌ها را به نیکی و افکار و رفتار درست دعوت می‌کرد. در آن زمان مردم توجه زیادی به شیردی بابا نکردند و حکومت‌ها او را طرد کردند.

شایـد یکی از دلایـل این برخورد هنـدی‌ها با شـیردی بابا این بود که او به اسـلام علاقه زیادی داشت و بعضـی از تعالیم او از اسـلام گرفته شده بود.

امـا سال‌ها بعـد از وفات شـیردی بابا عـده‌ای با حمایت و برنامه ریزی دولت‌های اسـتعمارگر، جانشـین تازه‌ای برای شـیردی بابا پیـدا کردند و او را ملقب به سای بابا کردند.

«باگوان شـیردی سای بابا» یا همان «یا سو آمی ساتیا سای بابا» در ۲۳ نوامبر ۱۹۲۶ در یکی از ایالت‌های هندوستان به دنیا آمد. سای بابا در سن چهارده سالگی، مدعی شد روح خداوند در جسم او رفته است و علنا گفت که برای هدایت انسان‌ها بر روی زمین ظهور کرده است و تلاش وی بر اینست که بـا نگاهی پلورالیستی همه پیروان ادیان را به سـمت خویش بکشانـد. وی بیش از پنجاه میلیون

نفر را تنها تا سال ۱۹۸۵ به مریدی خود در آورده بوده است.

اما سای بابا به جذب مسلمانان و مسیحیان توجه ویژه‌ای نشان می‌دهد که نکته قابل تاملی است.

او خودش را سای بابا نامید و گفت که تجسم بعدی «شیر دی سای بابا» است که درویشی مسلمان بوده و ده‌ها سال پیش در ایالت «ماهاراشترا» سکونت داشته است.

اولین چیزی که در اسم سای بابا جلب توجه می‌کند شایبه‌ی فارسی بودن این اسم است.

سای بابا شکلی دیگر از همان (شاه بابا)ی خودمان در زبان فارسیست که با کمی تحریف و تغییر در زبان‌های اردو و هندی به این شکل تلفظ می‌شود. علاوه بر نکته‌ای که در نام این شخص در ارتباط با اسلام وجود دارد، به طور کلی این شخصیت را بسیار به اسلام پیوند می‌زنند و این مساله در سخنرانی‌ها، نام گذاری‌ها و تبلیغات این فرقه انحرافی شرق آسیایی، مشهود است.

در ایران نیز مریدان بسیاری دارد که او را می‌پرستند. سایت رسمی وی به زبان فارسی به نام ایران بابا نیز بسیار فعال است و از ظاهر آن مشخص است که سرمایه گذاری زیادی روی آن صورت گرفته است.

این سایت به صورت کاملاً رایگان به تولید محتوای ارائه شده از سوی سای بابا در بین ایرانیان می‌پردازد. تا کنون نزدیک به یکصد نرم‌افزار و لوح فشرده تبلیغی از سای بابا به زبان فارسی با شمارگان بالا در کشور توزیع شده است.

در دوره‌های قبل‌تر سای بابا کمتر در ایران شناخته شده بود اما شخصی از گروه وی به نام مهربابا نزد مریدانش در ایران بسیار معروف بود.

مهربابا سه بار به ایران سفر کرد یکبار در ژانویه ۱۹۲۴ که با کشتی از بمبئی به بندر بوشهر رسید و به سبب بیماری همراهانش به سرعت به هند بازگشت.

بار دوم در سپتامبر ۱۹۲۸ که در این سفر از شهرهای خرمشهر، دزفول، خرم‌آباد، ملایر، اصفهان، یزد، کرمان، بم و دزد آب (زاهدان) دیدن نمود. مهربابا مهربابا در این سفر ملاقات‌هایی با ایرانیان داشت و مریدانی چند را جذب کرد سپس از راه زمینی و از بین راه کویری دزدآب و بعد از طریق قطار به هند بازگشت.

در اول ژانویه ۱۹۳۱ مهربابا برای سومین با قطار راهی ایران شد.

تبلیغات، حضور و توجه ویژه مهربابا به ایران سبب شد تا الان زمینه پذیرش سای بابا در ایران به راحتی فراهم باشد و سایت‌ها و نرم افزارها و تبلیغات گسترده و موثری از اینها را شاهد هستیم. سای بابا که اکنون حدود هشتاد و دو سال سن دارد و در روستای پوتاپارتی در جنوب هند در ایالت «آندرا پرادش» زندگی می‌کند، به بیماری مبتلا شده و در بیمارستان پوتاپارتی در همین ایالت از هفته پیش به علت مشکلات تنفسی بستری شده و میلیون‌ها نفر از پیروانش اطراف این بیمارستان تجمع کرده‌اند.

سای بابا برای دعوت خود معبد بزرگی به نام پراشانتی نیلایام به معنای آشیانه‌ی صلح برین، تأسیس کرده که به مناسبت اعیاد همه‌ی ادیان، هم چون کریسمس، عید فطر، عید نوروز، سال نوی چینیان و اعیاد هندوها مراسمی را برگزار می‌کند.

فرقه سای بابا در یک نگاه

سای بابا شیردی تعالیمش را از کتاب‌های مقدس هندوها و نیز اسلام می‌گرفت و ضمن اینکه به تناسخ و قانون کرمه وفاداربود، به اسلا م هم احترام می‌گذاشت. او در هند چندان هوادار و پیرو ندارد. او در ۱۵ اکتبر ۱۹۱۸ ازدنیارفت. سای بابا شیردی آن کسیست که ساتیا سای بابا خود را تجسم و جانشین وی خواند. «سوامی ساتیا سای بابا»، دومین شخصِ مشهور به سای بابا است.

وی بنیانگذار فرقه سای بابا می‌باشد.

ساتیا سای بابا در ۲۳ نوامبر ۱۹۲۶ در دهکده‌ای کوچک به نام «پوتاپارتی» به دنیا آمد. [۱] پدر او «پداونکاپاراجو» و مادرش

«ایشوارامبا» بودند. ساتیا، فرزند چهارم خانواده‌ای فقیر و مذهبی بود و به جز او، خانواده راجو یک پسر و دو دختر دیگر نیز داشتند. سای بابا پس از مدتی وارد مدرسه شد و تحصیلات ابتدایی را در محل زندگی خود ادامه داد. او زندگی ساده‌ای داشت و مانند بچه‌های دیگر به بازی و کنجکاوی مشغول بود.

او روزها را یکی پس از دیگری، صرف تحصیل و بازی در محل سکونت خود می کرد؛ امّا به یکباره اساس زندگی معنوی وی متحول شد و سرنوشت او به گونه‌ای متفاوت از دیگران رقم خورد. ساتیایِ نوجوان در آن زمان، وارد دوران جدیدی از زندگی شخصی و مرحله‌ی نوینی از حیات روحانی خود شد.

او تبلیغات معنوی را از همان سنین ابتدایی به مرحله اجرا گذارد و در بیستم اکتبر ۱۹۴۰ در ۱۴ سالگی، زندگی شخصی خویش را رها نموده، اعلام نمود که روح خداوند در جسم او حضور یافته است.

او همچنین ادعا کرد برای هدایت انسان‌ها بر روی زمین مبعوث شده است.

(ر. ک. احمد حسین شریفی، ۱۳۸۷ ش، ص ۷۳). او در عین حال خود را سای بابا نامید و ادعا کرد تجسم بعدی «شیردی سای بابا» عارف نمایِ پیش گفته هندی، است.

سای بابا «پرداخته‌های ذهن خود» را حاکم بر همه ادیان و ناظر به همه آنها دانست. در عین حال مدعی شد اعتقاد به پیام او، با گرایش به ادیان رایج منافاتی ندارد! به همین دلیل ادعا کرد روحانی هیچیک از ادیان نیستو برای تبلیغ هیچ دینی نیز نیامده است! سای بابا برای دعوت خود معبد بزرگی بنام «پراشانتی نیلایام» به معنای «آشیانه صلح» تاسیس کرد. در معبد او به مناسبت اعیاد همه ادیان مراسمات گوناگونی برگزار می‌شود. ساتیا سای بابا، به گفته خودش، در سن ۹۹ سالگی، خرقه تهی کرده و هشت سال بعد در جسم دیگری در شهر «میسور» دوباره ظهور خواهد کرد. نام این تجسم الهی «پرماسای بابا» و گسترش دهنده عشق و ادامه دهنده راه شیردی سای بابا و ساتیا سای بابا خواهد بود.

ساتیا سای بابا در سخنان خود گفته است که بعد از پرما سای، جهان بار دیگر در صلح و آرامش غوته خواهد خورد! امروزه بسیاری برای دیدن او از کشورهای مختلف به محل سکونت وی می‌روند. ساتیا هنگام ملاقات با دوستداران خود، از میان جمعیت می گذرد و سپس خاکستری از سرانگشتان او بیرون می آیدکه فضا را معطر می کند.

گاهی از هوا به افراد جواهرات گران‌قیمت می‌دهد و باعث دگرگونی و معنویت و حرارت زیاد شرکت کنندگان می‌شود. وی در ایران پیروانی دارد که بدون مواجهه با هیچ عامل بازدارنده‌ای، در مراکز مختلف به ترویج اندیشه‌های او مشغولند! تاکنون چندین کتاب درباره سای بابا و همچنین تعدادی از کتاب‌های نوشته شده توسط خودش، به زبان فارسی ترجمه شده است.

از آن جمله می‌توان به کتب ذیل اشاره کرد:

۱. تعلیمات سای بابا (تعالیم معنوی ۶)، ترجمه رویا مصباحی مقدم؛

۲. زندگی من پیام من، ترجمه پروین بیات؛

۳. سخنان سای بابا (تعالیم معنوی ۴)؛

۴. افکار الهی برای ۳۶۵ روز سال، ترجمه پروین بیات؛

۵. درخت ارزشها را آبیاری کنیم، ترجمه پروین بیات؛

۶. یوگای عاشقانه، ترجمه آزاده مصباحی؛

۷. عشق الهی را جلوه گر سازید، ترجمه پروین بیات.

*****

[۱]. پوتاپارتی در جنوب هند در ایالت «آندرا پرادش» واقع شده است که از «بمبئی» با قطار حدود بیست ساعت و از شهر بنگلور

حدود ۴ ساعت فاصله دارد.

http://kalameyar.blogfa.com/post-۱۸.aspx

آیا ساتیا سای بابا یک آلت پرست و بت پرست است یا عارف است؟

متن زیر را بخوانید نظر فردیست که از نزدیک آشنا می‌باشد:

دیدگاه‌های یک دانشجوی ایرانی مقیم هند درباره سایی بابا. امروز می‌خواهم در مورد سایی بابا صحبت کنم. از آنجا که در هند هستم و دسترسی به همه نوع منابع در این باره دارم خوشحال می‌شم اگر به چیزی که می‌خوام بگم توجه کنید. سایی بابا بر خلاف آنچه که در تبلیغات می‌شنوید نه تنها مرجع معتبری برای انرژی و خالص کردن روح نیست بلکه روح را به گمراهی می کشاند. چه باور کنید و چه نکنید مردمی که به ملاقات این فرد می‌روند دارای ضعف شخصیتی و گم شده در دالان دنیا هستند و امید دارند که با ملاقات کسی با این صفات راه خود را پیدا کنند و یا بهبودی در حال و زندگی خود ببینند. اول از همه ناچارم که بحث دین را به میان بکشم ... سایی بابا بر خلاف آنچه که در مورد اتحاد ادیان درباره‌ی او گفته می‌شود - یک هندوی خالص است.

هندوی خالص یعنی که به پرستش اجسام ساخته‌ی دست بشر می‌پردازد که در اسلام بت پرستی نامیده شده. اما اساس دین هندو اینست که اجسامی را از سنگ - چوب یا گل بسازند و آن را رنگ کنند و لباس بپوشانند و سپس به عنوان خدایان بپرستند. پس کار از دو جا ایراد دارد:

یکی اینکه بت می‌پرستند

دوم اینکه دشمن پیروان سایر ادیان هستند.

کسانی که گرایش به تغییر دین خود از اسلام به ادیان باستانی مثل هندو - ماندایی - مانوی - زرتشتی - میترایی - جینی و بودایی دارند به اینجا سر بزنند چون در مورد این ادیان مفصل توضیح خواهم داد. بدون اینکه بخواهم مغرور به نظر برسم باید بگم که ۱۰ سال از عمرم را صرف مطالعه‌ی همه‌ی این ادیان همچنین اسلام و مسیحیت و یهودی کرده‌ام و اگر خدا اجازه دهد میزانی از آن زا با شما شریک می‌شوم. یکی از خدایان مهم و اساس دین هندو لینگا نام دارد. با عرض معذرت از همه! لینگا آلت تناسلی مرد است که از سنگ در ابعاد مختلف تراشیده می‌شود و در تمام معابد پرستش می‌شود. عکس زیر برهمنی را در حال شستشوی لینگا نشان می‌دهد. لینگا در مغازه‌ها به فروش می‌رسد و هندوها در خانه آن را نگهداشته و می‌پرستند. سایی بابا که خودش را تناسخی از سایی بابای شماره ۱ می‌داند مهمترین وظیفه‌اش پرستش لینگا و تبلیغ پرستش آن است.

علاوه بر آن بتی دیگر است به نام لینگوم که در واقع با عرض معذرت! آلت تناسلی زن است که أن هم به همین شکل فروخته و پرستش می‌شود. عکس زیر سایی بابا را در حالی که لینگوم کوچکی در دست دارد. اساس آیین هندو پرستش هزاران خدا و الهه است که در آیین زرتشتی به آنها ایزد می گویند.. اما در واقع همان آیین است در قالبی مدرن تر. در اصل هیچ دینی در تاریخ بشر به نام هندو وجود نداشته و ندارد. هندو فقط از نام این سرزمین هندوستان به این آیین داده شده و این آیین به صورت مدون و دقیق اصلاً وجود ندارد. مسلمانان مردم این سرزمین را هندو نامیدند و امروزه به غلط نام آیین شده است.

سایی بابا کارهای عجیبی می‌کند و سایی بابای قبلی هم می‌کرد.. مثل غیب شدن و ظاهر شدن یا پرواز کردن و یا فکر خوانی و... این قدرتها خاص سایی بابا نیست و همه‌ی برهمنان هندو این کارها را می‌کنند ... همچنین مقدسان جین و بودا ... چطور؟ حدود ۶۰ کتاب مقدس و باستانی در آیین برهمنی وجود دارد که حاوی وردها و جادوها و نفرینهای متعدد است.

این کتب فقط در دست برهمنان است و دانش ممنوعه می‌باشد.

با رعایت دستورات این کتابها هر برهمنی می‌تواند از آسمان باران بباراند و یا فرزند را در شکم زن حامله بکشد.

اما منبع این جادوها شیطانی هستند و برای منظور نیک به کار نمی‌رونـد. برهمنان و سایی بابا از میان آنها از این قدرتها برای احمق نگه داشتن مردم استفاده می‌کنند و مردم ناچار به پرستش آنها هستند.

برای مثال برهمنان باید در تمام خانواده‌های هندو وارد و خارج شوند و هر مبلغ پولی که بخواهند دریافت کنند ... وگرنه نفرینی بر خانواده می‌گذارند که فقط خودشان بتوانند آن را بردارند. پیش از هر ازدواج و پیش و بعد از تولد هر بچه ای – برهمن باید مراسم مخصوص و پیچیـده‌ای اجرا کننـد تـا ازدواج موفقیت آمیز شود و بچه به سـلامت به دنیـا بیایـد ... اگر خانواده برهمن را راه نـدهند ازدواج به عزا مبـدل می‌شود و این کاملاً ـ صـحت دارد. برای برخی مراسم کثیف که برهمنان بایـد قربانی به شـیاطین هـدیه کننـد – کـودکی مسـلمان را گرفته و می‌کشـند و خـونش را روی بتهـا می‌مالنـد. حـداقل روزی ۱۰ تـا ۲۰ مورد این اتفـاق در هنـد می‌افتـد.

دستورات آیین برهمایی (هندو)

انسـان را به کارهـای کثیف وا می‌دارد که فقط منجر به گمراهی و زنـدگی رقت بار می‌شود. برای مثال هر وقت کسـی می‌میرد اگر فقیر باشـد همانجـا توی خیابـان جسـدش را می‌سوزاننـد و شـما می‌ایستی و سوختنش را مشاهـده می‌کنی و خـاکسترش به حلق همه می‌رود و روی هر غذایی می‌نشـیند. پوشـیدن کفش درست نیست و شستن دستها اصلاً مجاز نیست. هر وقت با هندویی دست دادید پیش از هر چیز دست خود را آب بکشید! شستن بدن با آب گرم مجاز نیست ... دوش گرفتن حرام است ... خوردن هر نوع میوه و غـذایی که حاوی ویتأمین‌های مفید و فسـفر و پروتئین باشد حرام است ... وضع حمل زنان در بیمارسـتان مجاز نیست و ... که همه اینها منجر به تولیـد نسـلی بیمار با درصد هوشـی پایین و مرگ و میر بالا می‌شود. تا سال ۱۹۴۷ میلادی زنان به همراه شوهران فوت شـده‌شان زنده در آتش سوزانده می‌شدند ... و بیوه‌ها از شـهر طرد می‌شدند. از دیگر اساس دین هندو ازدواج بچه هاست! در دین هنـدو هر روز متعلق به تولـد یکی از خـدایان و الهه‌هـای بی‌شـمار است که هر روز مراسم خاصـی بایـد در معبـد و خانه انجام شود. همچنین طبقه بندی جامعه به شکل قدیمی و باستانی است ... یعنی که فرزند یک بانکدار حق ندارد با فرزند یک معلم ازدواج کند و جامعه دارای سیسـتمی جدیست ... کسانی که از طبقه پایین هستند حق خرید خانه و ماشین و چیزهای لوکس و باز کردن حساب بانکی ندارند و طبقه نجسـها در کثافت دست و پا می‌زنند. در چنین شـرایطی یک ماه پیش جناب سایی بابا بیانیه‌ای صادر کرد علیه مردم فقیر جـامعه و سـبب تظـاهرات و جنگ و جـدل‌های فراوانی شـد و مردم زیادی علیه او جبهه گرفتنـد از جمله نماینـده گان در مجلس. با این اوصاف اگر همچنان در پی تغییر دین هستیـد و یا ارادت به سایی بابا داریـد می‌توانیـد کمی بیشتر روی تصـمیم خود فکر کنید. پشیمان نخواهید شد.

منبع:

http://arvaah.org/forum/index.php/topic،۷۲۵.۰.html

درباره فرقه انحرافی سای بابا

حجت الاسـلام سید محمدرضا حسن زاده طباطبایی از کارشناسان عرصه ادیان، طی نوشتاری با عنوان «سای بابا، شخصیت، فریب‌ها و ادعاها»، به نقد فرقه انحرافی سای بابا پرداخت. در این نوشتار آمده است:

چنان که در خبرها نیز شـنیده یا خوانده‌اید، باگوان شـری ساتیا سای بابا که خود را خدای خالق و هستی بخش می‌پنداشت، ۱۱ سال زودتر از پیش‌بینی خود، طعم مرگ را چشـید تا یک خدای دروغین دیگر رسوا شود. وی بنیانگذار نحله شخصـی و انحرافی موسوم به سای باباست و مرگ، چند روز پیش در ۸۵ سالگی به سراغ او آمد. مرگی که موجب شد یکی از صدها نیرنگ «سای بابا» برملا شـود؛ چرا که پیش‌گویی کرده بود در سن ۹۶ سالگی خواهد مرد و هشت سال بعد روح او در جسـمی دیگر در شهر میسور به بدن فردی دیگر منتقل خواهد شد.

سای بابا کیست؟

حدود ۱۸۰ سال قبل در هند فردی به نام شیردی بابا معروف شد.

وی یک روحانی با ایمان بود و انسان‌ها را به نیکی و افکار و رفتار درست دعوت می‌کرد. در آن زمان مردم توجه زیادی به شیردی بابا نکردند و حکومت‌ها او را طرد کردند.

شاید یکی از دلایل این برخورد هندی‌ها با شیردی بابا این بود که او به اسلام علاقه زیادی داشت و بعضی از تعالیم او از اسلام گرفته شده بود.

اما سال‌ها بعد از وفات شیردی بابا عده‌ای با حمایت و برنامه ریزی دولت‌های استعمارگر، جانشین تازه‌ای برای شیردی بابا پیدا کردند و او را ملقب به سای بابا کردند.

«باگوان شیردی سای بابا» یا همان «یا سو آمی ساتیا سای بابا» در ۲۳ نوامبر ۱۹۲۶ در یکی از ایالت‌های هندوستان به دنیا آمد. سای بابا در سن چهارده سالگی، مدعی شد روح خداوند در جسم او رفته است و علنا گفت که برای هدایت انسان‌ها بر روی زمین ظهور کرده است و تلاش وی بر اینست که با نگاهی پلورالیستی همه پیروان ادیان را به سمت خویش بکشاند. وی بیش از پنجاه میلیون نفر را تنها تا سال ۱۹۸۵ به مریدی خود در آورده بوده است.

اما سای بابا به جذب مسلمانان و مسیحیان توجه ویژه‌ای نشان می‌داد که نکته قابل تاملی است.

او خودش را سای بابا نامید و گفت که تجسم بعدی «شیر دی سای بابا» است که درویشی مسلمان بوده و ده‌ها سال پیش در ایالت «ماهاراشترا» سکونت داشته است.

اولین چیزی که در اسم سای بابا جلب توجه می‌کند شایبه‌ی فارسی بودن این اسم است.

سای بابا شکلی دیگر از همان (شاه بابا)ی خودمان در زبان فارسیست که با کمی تحریف و تغییر در زبان‌های اردو و هندی به این شکل تلفظ می‌شود. علاوه بر نکته‌ای که در نام این شخص در ارتباط با اسلام وجود دارد، به طور کلی این شخصیت را بسیار به اسلام پیوند می‌زنند و این مساله در سخنرانی‌ها، نام گذاری‌ها و تبلیغات این فرقه انحرافی شرق آسیایی، مشهود است.

سای بابا در ایران نیز مریدان بسیاری دارد که او را می‌پرستند. سایت رسمی وی به زبان فارسی به نام ایران بابا نیز بسیار فعال است و از ظاهر آن مشخص است که سرمایه گذاری زیادی روی آن صورت گرفته است.

این سایت به صورت کاملاً رایگان به تولید محتوای ارائه شده از سوی سای بابا در بین ایرانیان می‌پردازد. تا کنون نزدیک به یکصد نرم‌افزار و لوح فشرده تبلیغی از سای بابا به زبان فارسی با شمارگان بالا در کشور توزیع شده است.

مهربابا در دوره‌های قبل‌تر سای بابا کمتر در ایران شناخته شده بود، اما شخصی از گروه وی به نام مهربابا نزد مریدانش در ایران بسیار معروف بود.

مهربابا سه بار به ایران سفر کرد یکبار در ژانویه ۱۹۲۴ که با کشتی از بمبئی به بندر بوشهر رسید و به سبب بیماری همراهانش به سرعت به هند بازگشت.

بار دوم در سپتامبر ۱۹۲۸ که در این سفر از شهرهای خرمشهر، دزفول، خرم‌آباد، ملایر، اصفهان، یزد، کرمان، بم و دزد آب (زاهدان) دیدن نمود. مهربابا در این سفر ملاقات‌هایی با ایرانیان داشت و مریدانی چند را جذب کرد سپس از راه زمینی و از بین راه کویری دزدآب و بعد از طریق قطار به هند بازگشت.

در اول ژانویه ۱۹۳۱ مهربابا برای سومین بار با قطار راهی ایران شد.

تبلیغات، حضور و توجه ویژه مهربابا به ایران سبب شد تا الان زمینه پذیرش سای بابا در ایران به راحتی فراهم باشد و سایت‌ها و نرم افزارها و تبلیغات گسترده و موثری از اینها را شاهد هستیم. سای بابا چند روز پیش در سن هشتاد و پنج سالگی درگذشت. وی در

روستای پوتاپارتی در جنوب هند در ایالت «آندرا پرادش» زندگی می‌کرد و در اواخر عمر به بیماری مبتلا شده و در بیمارستان پوتاپارتی در همین ایالت، به علت مشکلات تنفسی بستری بود و میلیون‌ها نفر از پیروانش اطراف این بیمارستان تجمع کرده بودند. سای بابا برای دعوت خود معبد بزرگی به نام پراشانتی نیلایام به معنای آشیانه‌ی صلح برین، تأسیس کرده بود که به مناسبت اعیاد همه‌ی ادیان، هم چون کریسمس، عید فطر، عید نوروز، سال نوی چینیان و اعیاد هندوها مراسمی را برگزار می‌کرد.

ویژگی‌های برجسته در مکتب انحرافی سای بابا

۱ تناسخ و انکار معاد

سای بابا به تناسخ معتقد است و بر این اساس پیش گویی کرده است که در سن ۹۶ سالگی این جسم خود را ترک خواهد کرد و هشت سال بعد روح او در جسمی دیگر در شهر میسور به بدن فردی دیگر منتقل خواهد شد.

در حالی که خداوند متعال با مرگ وی، میان حقیقت و دروغ بزرگی که گفت یازده سال فاصله انداخت

و مَکَرُوا و مَکر الله و الله خیرُ الماکرین.

تناسخ از ویژگی‌های مشهور ادیان شرق آسیا است.

بر اساس اعتقاد خرافی تناسخ روح انسان در چرخه‌های متوالی باز پیدایی تحت تاثیر قانون کارما در صعود یا تنزل است تا این که با تلاش از حذف کارما از این دریای سامسارا نجات یافته و به موکشا و رهایی برسد. ادیان الهی مانند زرتشت، یهودیت، مسیحیت و اسلام همگی این اعتقاد باطل را مردود می‌دانند و کتاب‌های بسیاری نیز در نقد آن نوشته شده است.

۲ پلورالیسم عرفانی

معنویت آیین سای بابا بر مبنای کثرت گرایی عرفانی تبلیغ می‌شود. وی تصریح می‌کند که همه‌ی ادیان حقَّند و هیچ تفاوتی با یکدیگر ندارند، هر چند دین خود ساخته‌ی خویش را کامل‌ترین آنها می‌داند و آن را به منزله‌ی صد می‌داند که چون کسی آن را داشته باشد، حقیقت همه‌ی ادیان دیگر را که همگی از صد کمتر هستند، خواهد داشت. این در حالیست که همین آقای سای بابا اجازه گرایش به اسلام یا ادیان دیگر را به پیروانش نمی‌دهد و در عین حال از آنان می‌خواهد که برای تاثیر پذیرفتن از آموزه‌هایش، باید دست از همه‌ی باورهای ذهنی و درونی پیشین خود بردارند و بدین ترتیب کثرت گرایی را معنا می‌کند!

۳ شعبده و جادو

بسیاری از مردم گمان می‌کنند کارهای خارق‌العاده نشانه‌ی حقانیت یک مکتب می‌تواند باشد.

مدعیان و سود جویان نیز از همین سادگی مردم سوء استفاده کرده و با قدرت‌هایی که به دست می‌آورند، سعی می‌کنند با انجام کارهایی که از توان عموم مردم خارج است و یا پیشگویی‌ها و پیش بینی‌هایی درباره‌ی حوادث روز مره، چنین جلوه دهند که همه‌ی سخنان آنان حق است و مهر تأیید الهی دارد. هرگز نمی‌توان انجام کارهای خارق‌العاده را نشانه‌ی حقانیت و درستی راه و روش یک عارف دانست. هر چند برخی از کارهای خارق‌العاده در اثر توانمندی‌ها و استعدادهای خدادادی است؛ اما بسیاری از آنها معلول ریاضت‌ها و تمرین روحی و گاهی شیطانی است.

توضیح این که، روح انسانی دارای قدرتی خارق‌العاده و شگفت انگیز است.

هر انسانی اگر بتواند غرایز حیوانی را سر کوب نماید، می‌تواند از قدرت خارق‌العاده‌ی روح خود استفاده کند.

کارهای خارق‌العاده‌ی ارزش دارد که در سایه‌ی عمل به دستورات الهی به دست آمده باشند، هر چند هیچ عارف حقیقی عملی را برای دستیابی به کارهای خارق‌العاده انجام نمی‌دهد، زیرا عرفان حقیقی چیزی جز معرفت و تقرب به خدا نیست. نقل شده است عده‌ای نزد یکی از عرفا رسیدند و برخی از کرامات او را در نزد خود او بازگو کردند.

به او گفتند:

بر سر آب می‌روی؟

گفت:

چوب پاره‌ی بر آب برود.

گفتند:

در هوا می‌پری؟

گفت:

پرندگان در هوا می‌پرند.

گفتند:

به شبی به کعبه می‌روی؟

گفت:

جوگی در شبی از هند به دماوند می‌رود.

گفتند:

پس کار مردان چیست؟

گفت:

آن که دل در کس نبندد جز خدای. حال یکی از شاخصه‌های اصلی مکتب انحرافی سای بابا که به واسطه آن میلیون‌ها انسان را به خود جذب کرده است، استفاده از همین جادو و شعبده بوده است که البته در این مسیر از هیچ گونه تقلبی فروگذار نکرده است و فریب‌های خود را تحت عنوان قدرت الهی تبلیغ می‌نماید. فیلم‌های مستند بسیاری در نقد و آشکار نمودن فریب‌های سای بابا ساخته و منتشر شده است.

از جمله می‌توانید نزدیک به چهل مورد از آنها را از پایگاه اینترنتی زیر مشاهده کنید:

www. pedar. net

۴ – ادعای الوهیت

باگوان شری که در کودکی نمی‌توانست مگسی را از خود برماند، اکنون مدعیست که خدای خالق، برهما، خدای هستی بخش و ...در او حلول کرده است.

وی مردم را به ستایش و پرستش خویش فرا می‌خواند و ساده دلان نیز در برابرش زانو می‌زنند و در ایران نیز صدها پیرو فریب خورده، او را می‌پرستند. او به هوادارانش این متون و اذکار را توصیه می‌کند، تا در حالت آرامش و توجه کامل در برابر او بخوانند: خودتان را محصور من بدانید، به من مشغول باشید جنون بابا را در زندگی تان خلق کنید، باور کنید که از این جنون شیرین‌تر نیست به عشق هم عادت کردیم، همه این سال ها، فرم‌های مختلفی از عشق را برای شما گرفتم مثل کودکی پرورش تان دادم، مثل

پـدر و مادری عاشق، تا رشد کنید من فرم برادر و خواهرتان را به خود گرفتم ... من آمده‌ام تا سـعادت بدهم، من آمده‌ام تا ببخشـم هیـچ منظور دیگری از موجودیت من نیست همه اضـطراب و مشـکلات خود را به من بسپارید و از من آرامش بگیرید بیا و مرا پیدا کن و خودت را پیدا کن از نزدیک به من نگاه کنید، به فراسوی فرم بدن و درون نگاه کنید

۵ – تجاوز جنسی

در یکی از مسـتندهای متعـددی که بی‌بی‌سـی و برخی دیگر از رسانه‌های اروپایی علیه سای بابا ساخته‌اند، وی متهم به سوء اسـتفاده جنسی از برخی مریدان خود برای بیش از ۳۰ سال شده است.

گزارش بی‌بی‌سـی حاوی مصاحبه با برخی از خانواده‌هاییست که از مریـدان سای بابا بوده‌اند و به شـرح چگونگی تهدیدهای وی و بهره برداری جنسـی از آنان پرداخته شـده. در این مسـتند، بی‌بی‌سـی حجم تخلفات سای بابا را به حـدی می‌دانـد که نیاز به دخالت دولت‌های مختلف در برابر آن را ضروری شمرده است.

۶ – مسیحیت زدگی

با این که سای بابا در بسیاری از گفته‌ها و رفتارهای خود اسـلام را هدف گرفته بود، اما یکی از ویژگی‌های شاخص وی استفاده از تعالیم مسـیحیت در حرف‌هایش است که نشان می‌دهد او بیشتر تحت تاثیر سیاست‌های استعمارگران مسیحی بوده که ده‌ها سال هند را استعمار کرده بودند.

۷ تطمیع مریدان

سای بابا قصـر بسیار بزرگی در هند داشت که هر پنج شنبه از قصرش بیرون می‌آمد و با تردستی جواهری یا از هوا برایش می‌آمد یا بـا اسـتفراغ پیـاپی، جـواهری را از درون دل خـود بیرون می‌آورد و سـپس آن جـواهر را به یکی از مریـدانش می‌داد و بـاز هفته بعد عـده‌ی زیـادی منتظر او می‌ماندنـد تـا شایـد قطعه طلایی گیرشان بیایـد. تخت‌های طلای سای بابا نیز دیـدن داشت و افراد زیادی از سراسر دنیا فقط برای تماشای شکوه و جلال تخت وی در دیدارهای عمومی او شرکت می‌کردند:

آنچه باعث تاسف و تاثر است اینست که شخصیتی که موفق شد ده‌ها میلیون انسان را به مکتب انحرافی خود جذب نماید، آن چنان که بایـد مـورد مطـالعه و پژوهش حوزه‌هـای علمیه قرار نگرفت. در نقـد مکتب و شخصـیت او که در ایران اسـلامی مورد توجه قرار گرفته است، نه کتابی شایسـته و در خور از سوی حوزه علمیه ارائه شده است و نه نقدی رسانه‌ای جامع و مطلوب. این مشکل تنها به سای بابا نیز منحصر نمی‌شود. بلکه مدعیان بسیاری هستند که بدین ترتیب وجود دارند، آن گونه که باید، افکار و اندیشه‌هایشان در بـوته نقـد گذاشـته نمی‌شـود تـا جوانـان در دام فریب‌هایشـان گرفتـار نیاینـد. این نیز حاصـل نمی‌شود جز این که نگـاهی بین المللی جریان‌های فکری و عقیدتی داشـته باشیم و اگر فرقه‌ای در آن سوی دنیا شکل گرفت، توجه به آن را جدای از وظیفه خود محسوب ننمـاییم. این در حـالیست که کتاب‌هـای متعـددی در نقـد افکـار و انـدیشه‌های سـای بابـا در کشورهای غربی منتشـر شـده است اما متاسفانه در کشور ما به جای ترجمه این گونه آثار، به ترجمه سخنرانی‌ها و آثار مروج فرقه سای بابا اقدام می‌گردد.

کتابی در نقد سای بابا با عنوان:

آواتار شب یا زوایای پنهان سای بابا / ... شیعه‌ها

http://www.shia-leaders.com/?p=۱۲۰۲۷

بت پرستی مدرن (سای بابا)

همیشه وقتی اسم بت پرستی به گوشم می‌رسید، از خودم می‌پرسیدم، مگر می‌شود انسان با این عقل و شعور ی که خدا به او داده، برای عبادت، پرستش و خشوع سر تعظیم در مقابل یک شیء که از خود او پایین تراست فرود آورد و آیا انسانی که فطرتاً خدا جو و خدا پرست است، خضوع در مقابل منبع کمال، که این تمنای فطری، تبدیل پذیر و از بین رفتنی نیست را، رها کرده و سر تعظیم در مقابل موجود دیگر فرود می‌آورد. انسان در این تعظیم وقتی به بزرگی خدا می‌اندیشد، از این خضوع خود احساس بدی ندارد که هیچ، بلکه حتی با غرور و لذت این کار را انجام می‌دهد و به همین دلیل آنها که معرفتشان نسبت به خداوند متعال بیشتر است، عبودیتشان نیز به همان نسبت بیشتر خواهد بود و از این عبودیت و تعظیم لذت برده و به آن افتخار می کنند.

احساس بندگی اما انسان معاصر با تمام پیشرفتهای امروزی در زمینه‌های مختلف، به علت ضعف تشخیص و ارضای این کشش فطری، به پرستش خدایی از جنس خویش (انسان) روی آورده است.

انسانی که اولین نقدی که به بت پرستها وارد است، به او نیز وارد است، در داستان حضرت ابراهیم (عَلَیْهِ السَّلَام) خواندیم که، وقتی حضرت همه بتها را شکست و تبر خود را بر دوش بت بزرگ قرار داد، مردم او را در شکسته شدن بتها مقصر می‌دانستند، ایشان چنین پاسخ دادند، که تبر بر روی بت بزرگ است، شاید او چنین کاری را کرده باشد، مردم در پاسخ حضرت گفتند، که او که نمی‌تواند از جای خود تکان بخورد، چگونه ممکن است این کار را کرده باشد و اینجا بود که حضرت فرمودند، شما موجودی را می‌پرستید که حتی قادر به حرکت نیست و از خود شما ضعیف‌تر است.

اینجا هم مردم باید در مقابل موجودی تواضع کنند که از جنس خودشان است و آن هم مانند دیگر انسانها نیازمند بوده، می‌خورد، می‌خوابد و ... که در واقع تفاوت چندانی با بتها ندارد، جز آنکه مدعیست که خدای خالق در او حلول کرده و معجزاتش تولید خاکستر با دستش و خواندن بعضی از افکار است، که این کارها، برای ریاضت کشیده‌های هندی، کاری ساده و پیش پا افتاده محسوب می‌شود، وی مردم را به ستایش و پرستش خویش فرا می‌خواند، فطرتهای تشنه خضوع که حقیقت را نشناخته‌اند، نا گریز در برابرش زانو می‌زنند. «اما کمال مطلقی که فطرت، خواهان خشوع در پیشگاه اوست کجا و یک انسان نیازمند و محدود کجا؟» (جریان شناسی انتقادی عرفانهای نوظهور ص ۳۷) ساتیا سای بابا «اما کمال مطلقی که فطرت، خواهان خشوع در پیشگاه اوست کجا و یک انسان نیازمند و محدود کجا؟»

(جریان شناسی انتقادی عرفانهای نوظهور ص ۳۷)

باگوان شری ساتیا سای بابا زاده ۲۳ نوامبر ۱۹۲۶ در دهکده‌ای کوچک به نام پوتاپارتی است؛ [او] یکی از مدعیان خداگونگی تجسم خداوند است.

وی می گوید:

«من برای احیا این اصول در کل جهان تجسم یافته‌ام. معجزات من، کارت دعوتی بیش نیستند؛ معجزه اصلی من، ایجاد تغییر و تحول در درون شما است.»

باگوان شری ساتیا سای بابا مدعیست یک آواتار است.

به گفته خودش او روحانی هیچ یک از ادیان نیست و هیچ دینی را تبلیغ نمی کند.

پدر او «پداونکاپاراجو» و مادرش «ایشواراماباً» بودند. ساتیا، فرزند چهارم خانواده‌ای فقیر و مؤمن بود و به جز او خانواده راجو، یک پسر و دو دختر دیگر نیز داشتند. ساتیا سای بابا در سن ۱۴ سالگی – در تاریخ ۲۳ ماه مه ۱۹۴۰ – اعلام کرد که روح خداوند در جسم او حضور دارد و او برای هدایت انسان‌ها بر روی زمین ظهور کرده است.

او خود را سـای بابـا نامیـد و گفت که تجسم بعـدی «شـیردی سـای بابـا» است که سال‌هـا پیش در ایالت «ماهاراشترا» در ده شـیردی زندگی می‌کرده است.

چنـد بیت از شـعرهای سای بابا چرا مرا محدود و محصور به یک اتاق در خانه خود میدانید همه اتاق‌ها باید «اتاق بابا» باشد خودتان را محصور من بدانید به من مشغول باشید جنون «بابا» را در زندگیتان خلق کنید باور کنید که از این جنون شیرین‌تر نیست و به عشق هم عادت کردیم ... و همه این سالها فرم‌های مختلفی از عشق را برای شـما گرفتم. مثل کودکی پرورشـتان دادم. مثل پدر و مادری عاشق تا رشـد کنیـد. سای بابا، معتقـد به حلول خـدا در خودش است و خود را الهه آفریـدن می‌دانـد. او، گاه خـدا را از سـنخ روح کیهانی و انرژی می‌داند. از سوی دیگر، معلوم نیست در آثار او، عشق به خدا اصل است یا خود خدا؟

ساتیا سای بابا می‌گوید:

«اساس و دلیل این حضور، مبتنی بر عشق و قدرت الهی است.

عشق و قـدرتی بی نهـایت و همه جـانبه (فراگیر) که در حقیقت تجسم عشق الهیست و قادر است انسان‌ها را از نقاط دور دست کره زمین به دهکده پوتاپارتی بکشاند.» سای بابا می‌گوید:

«خـدمت به همنوعان، خـدمت به خداونـد است». باگوان شـری ساتیا سای بابا که اکنون ۸۲ سـال دارد، هر روز دو بـار برای دارشان (دیـدار الهی) به سالن سای کولونت، جایی که مریـدان‌اش از سراسـر دنیا برای دیدار با او در آنجا گرد هم آمده‌اند، می‌رود و برای آنها سخنرانی می‌کند.

باگـاوان شـری ساتیـا سـای بابا، به گفته خودش، در سن ۹۹ سـالگی خرقـه تهی کرده و هشـت سـال بعـد در جسم دیگری در شـهر «میسور» دوباره ظهور خواهـد کرد. نام این تجسم الهی «پرماسای بابا» و گسترش دهنده عشق و ادامه دهنده راه شـیردی سای و ساتیا سای خواهد بود.

ساتیا سای در سخنان خود گفته است:

«بعـد از پرمـا سای، جهان بار دیگر در صـلح و آرامش غوته خواهـد خورد.» او به اصول اعتقادی هنـدی کاملاً پایبنـد و معتقـد بوده است.

او، تناسخ و قانون کرمه را کاملاً پذیرفته و به کرات از ویشنو نام برده است.

سای بابا، معتقد به حلول خدا در خودش است و خود را الهه آفریدن می‌داند. او، گاه خدا را از سـنخ روح کیهانی و انرژی می‌داند. از سوی دیگر، معلوم نیست در آثـار او، عشق به خـدا اصل است یا خود خـدا؟ او تمام مـذاهب را برابر می‌بینـد و به پلورالیسم دینی قائل است.

از این طریق، تمام ادیان را نفی می‌کند و فقط مکتب خود را اثبات می‌کند.

در مکتب او، ذکر و ورد و مناجات وجود دارد؛ اما روزه گرفتن را امری بیهوده می‌داند.

نوشته داریوش عشقی

گروه دین و اندیشه تبیان

الوهیت در عرفان ساتیا سای بابا

عرفان‌های نوظهور اشاره به رونق جریان‌های فکریست که در چند دهه گذشته با شکلی متفاوت در دنیای معنوی به راه افتاده است.

در بدو فراگیری این عرفان‌ها امر بر برخی مشتبه شد که عرفانهای نوظهور، گرایشات معنوی منکر وجود خدا است.

حال آن که در قریب به اکثر عرفان‌های نوظهور اشاراتی به وجود خداوند رفته است.

لکن مسأله بر سر میزان اعتبار خدا در مصادیق متفاوت این گونه از عرفانها است.

تجلیات خدا در هندوئیسم یکی از مسائل مهم در میان آموزه‌های هندوئیسم بحث در مورد انواع تجلیات خداوند ست.

در تعالیم هندوئیسم بحث از آواتار (ava – tara) به معنای ظهور و تَجَلّی خدا از دو منظر قابل بررسی است:

الف – این ماجرا اشاره‌ای به وجود خدایان متعدد در هندوئیسم دارد. احساسات آغشته به باورهای مذهبی مردم هندوستان قدیم باعث شد تا اراده های گوناگون الهی، تجسم خدایان متعدد را در ذهن ایشان بپرورانند. خدایانی با وظایف و تکالیف متفاوت همچون خدای آسمان، خدای هوا، خدای نگهدارنده جهان، خدای زمین و ... نمونه‌ای از این باور است.

ویشنو (visnu) یکی از خدایان بزرگ است که از ابتدا مورد عنایت معتقدین به هندوئیسم نبود اما به تدریج صاحب عظمت و احترام زیادی شد.

ویشنو مقیاس جهان پیما است؛ زیرا معروف است که وی در سه قدم جهان را می‌پیماید. سه گام او آسمان و هوا و زمین است؛ رزاق و نگهدارنده خُدایان و مردم است.

در «مهابهارات» و «پوراناها» ویشنو به شخص دوم اقالیم سه گانه و شخص «ستگن» که داری صفت رحم و نیکیست معروف شده است.

ویشنو دارای نیروی حفظ، حراست، قائم به ذات و مستولی بر همه چیز شناخته می‌شود در این حالت او را به عنصر آب که قبل از خلقت این جهان در همه جا ساری و جاری بوده منسوب داشته‌اند.

بدین جهت ویشنو را «ناراین» یعنی متحرک در آبها خوانده‌اند و او را به شکل مردی که بر روی ماری نشسته و چرت می‌زند و بر سطح آب شناور است مجسم ساخته‌اند.

پرستندگان ویشنو، او را مبدا عالی جمیع چیزها می‌دانند. ویشنو در «مهاباهارات» و «پورانا» خدای اعلی نام گرفته است او در این حالت دارای سه نیرو و خاصیت است:

۱. برهما یا خالق فعال، که وقتی ویشنو خواب بود گل نیلوفری از نافش رویید و این خالق فعال از او به وجود آمد.

۲. ویشنو، حافظ و نگاهدارنده اشیائیست او به صورت مظاهر (آواتار) مختلف، مثلا به صورت کریشنا ظاهر شود.

۳. شیوا یا رودر، نیروی مخرب یا ویران کننده و نیست کننده است که بنا بر آنچه در مهابهارت نقل شده از پیشانی ویشنو به وجود آمده است ... ویشنو به صورت نیروی حافظ و حامی در این جهان با اشکال مختلف ظاهر می‌شود. به عبارت دیگر، در ادوار مختلف ویشنو در آواتارهای عدیده تجسم پیدا کرده و به صورت انسان یا اشکال مافوق طبیعت در قسمتی از جوهر الوهیت وارد شده و به آنها نیروی مافوق بشر بخشیده است.

ظهور هر یک از آواتارها برای اصلاح خطاهای بزرگ یا بخشیدن خوبیهای عظیم به این جهان بوده است (۱). ویشنو یکی از خدایان سه گانه هندوئیسم صاحب عزت و احترام بسیاری میان مردم هند است و چون از عوامل پیدایش آواتارها و تمام قدرت فوق بشری آنهاست هر جا سخن از آواتارها می‌شود از ویشنو به عنوان یکی از تثلیث خدایان مطلب ارائه می‌گردد و بلعکس هر جا در باره خصوصیات خدایان هند بحثی پیش می‌آید لاجرم سخنی از آواتارهای بزرگ، به عنوان یکی از خصوصیات بزرگ خدایان سه گانه یا خدایان مشهور هندوستان به میان می‌آید.

ب – وجود آواتارها بر روی کره خاکی تاثیر معنوی زیادی بر جامعه دینی می‌گذارد. وجود یک انسان به عنوان تَجَلّی خداوند و کسی که برای راهنمایی نوع بشر و از بین بردن رنجها، مشکلات جامعه و بخشش خوبی‌ها به مردم نازل شده، می‌تواند تاثیرات اجتماعی زیادی به وجود آورد و انسانهای زیادی را به سوی معنویت راهنمایی کند.

کریشنا، یکی از تجلیات خداوند در غالب انسانی است.

در کتاب گیتا آمده است هر گاه درستکاری فراموش شده و نادرستی حکمفرما شود من خودم (کریشنا) ظهور می‌کنم و بارها نسل به نسل برای حمایت از درستکاری و از بین بردن شرارت و بنیان گذاری مذهب خواهم آمد از این رو برای نابودی شیطان، خدا بارها و بارها به شکل انسان تَجَلّی می‌کند.

این عقیده در میان سالهای ۳۰۰ تا ۱۲۰۰ میلادی به حد نهایی مقبولیت رسید. نظریه ظهور کالبد ی، یگانگی خدا را با کثرت خدایان وفق داد. آواتارهای ویشنو از معروف‌ترین آواتارها می‌باشند. در میان آنها «رام» و «کریشنا» جزء مهمترینها هستند.

بر طبق این اعتقاد، خداوند خویشتن را در اشکالی که حتی شکاک‌ترین افراد هم بتوانند آن را قبول کنند ظاهر می‌سازد. آواتاراها بی‌شمارند و علاوه بر آواتارهای شناخته شده می‌توان گفت هر ولی یا معلم روحانی بخشی از تَجَلّی خدای را به همراه دارد. (۲) کلکی (kalaki) به عنوان یکی از آواتارهای بزرگ ویشنو همان است که در ادبیات هندوئیسم موعود آخر الزمان و اصلاحگر بزرگ جهان است او شمشیر به دست و سوار بر اسب سفید ظاهر می‌شود تا بدیها را از زمین بر چیند و خوبی را به جایش بنشاند. از این رو در مکتب هندوئیسم، آواتارها تاثیرات ژرفی را بر جامعه می‌گذارند و مبدا بسیاری از تحولات روحانی می‌شوند. سو آمی ساتیا سای بابا ساتیاسای بابا در سال ۱۹۲۶ در دهکده «پوتاپارتی (pattaparti)» نزدیک شهر بنگلور واقع در جنوب هندوستان دیده به جهان گشود. آغاز زندگی را نزد پدر و مادر خویش شروع کرد و پس از مدتی وارد مدرسه شد و تحصیلات ابتدایی را در محل زندگی خود ادامه داد. سای بابا زندگی ساده‌ای داشت و مانند بچه‌های دیگر به بازی و کنجکاوی مشغول بود.

روزها را یکی پس از دیگری صرف تحصیل و بازی در محل سکونت خود می‌گذراند اما به یکباره اساس زندگی معنوی او رقم می‌خورد. او وارد دوران جدیدی از زندگی شخصی و مرحله‌ی جدیدی از حیات روحانی می‌شود. ساتیا سای بابا تبلیغات معنوی را از همان سن ابتدایی به مرحله اجرا می‌گذارد. در بیستم اکتبر ۱۹۴۰ در سن حساس ۱۴ سالگی، ساتیا زندگی شخصی خویش را در اوراواکندا (uravakonda) رها نمود. سای بابا در تعالیم خود همواره اعلام می‌داشت:

صلح و آرامش منحصر به سه رکن ذیل است:

۱. رهایی از وابستگی

۲. دین و ایمان

۳. عشق

بدین سان برای عمل به اولین رکن صلح و آرامش یعنی رهایی از وابستگی خانه و والدین خویش را ترک باید گفت تا رسالت خود را با رهایی از تمام وابستگی‌ها و تعلقات آغاز نماییم. در کتاب زندگی من پیام من است چین نقل شده که بعد از مدتی والدین سای بابا او را در حین انجام ذکرهای ریتمیک پیدا می‌کنند.

پدر و مادر سای بابا از او خواهش می‌کنند که به خانه باز گردد و به زندگی طبیعی خود ادامه دهد. اما وی در مقابل اسرار والدین خود می‌گوید:

هیچکس به دیگری متعلق نیست اینها همه توهمات است.

از طرف دیگر، سای بابا هدیه گرفتن را فقط از طرف والدین و گورو (استاد معنوی) جایز می‌داند. سای بابا دو دوست صمیمی به نام «رامش» و «سودهیر» داشت. این دو دوست در دو طرف سای بابا در کلاس درس می‌نشستند. رامش از خانواده ثروتمندی بود.

روزی رامش یک یونیفورم بسیار شیک و نو را که ساتیا قادر به تهیه آن نبود به ویهدیه نمود ولی ساتیا یونیفورم را با یادداشت زیر به رامش برگرداند:

دوست عزیز: اگر می‌خواهی دوستی ما ادامه یابد باید از زیاده روی در مورد تبادل کالا خود داری نمائی. هنگامی که فرد نیازمندی هدیه‌ای را از ثروتمندی می‌پذیرد ذهنش نگران می‌گردد که چگونه خوبی ثروتمندی را جبران نماید در عین حال، ذهن ثروتمند

احسان کننده، از غرور انباشته می گردد. دوام دوستی واقعی بر پایه احساس قلبی استوار است.
فردی که هدیه‌ای را می‌پذیرد خود را حقیر و کوچک احساس می کند و فردی که هدیه‌ای را می‌دهد، خود را بزرگ و مغرور احساس می‌نماید چنین دوستی دوام نخواهد داشت. از این جهت لباهایی را که به من هدیه نموده‌ای به من تعلق ندارد آنها را به همراه این یادداشت باز می گردانم. (۳) ساتیا سای بابا سالیان زندگی خود را (در دهکده پوتا پارتی) وقف تبلیغ، تعلیم تجربیات عرفانی و ریاضت‌های گوناگون کرده است.
تا جایی که به شهرت جهانی رسیده و کتابهای بسیاری از وی در کشورهای مختلف جهان ترجمه و به چاپ رسیده است.
انسانهای بسیاری برای کسب معنویت و زیارت ساتیاسای بابا از دورترین نقاط جهان به سمت هند می‌رفتند. تا شاید به دیدار وی نایل شوند و معنویت و حقیقت را در آن روستای دور افتاده بیابند و طعم خوش عرفان را از دستان او هدیه گیرند. اما هر کس با اندکی تامل در داشته‌های عرفانی ساتیا سای بابا اذعان می‌دارد که برای عمل به هر یک از تعالیم عرفانی او ناگذیر باید یک قدم از علایق جامعه و قوانین معمول اجتماعی دور شوند. این تقابل یعنی استقبال از عرفان و آرامش عرفانی و از سوی دیگر ناروایی دوری از اجتماع و گوشه نشینی نشانه یکی از بزرگترین دغدغه‌های انسان مدرن خواهان معنویت است.
این تعارض عمیق باعث می‌شود تا استقبال از عرفان‌های نوظهور - هر چند در بدو امر با شور و شوق بسیار همراه است - در ادامه فاقد دوام و التزام فراگیری باشد.
نکته: سای بابا شیردی عارف دیگر هندیست که با وجود شباهت اسمی با ساتیا سای بابا دارای شخصیت مجزایی است.
او نیز یکی دیگر از عارفان معاصر هند است که بررسی سرگذشت و آموزه‌های وی وقت دیگری را می‌طلبد. اما همین ما را بس که: دوران کودکی سای بابا شیردی برای مدتها در هاله‌ای از رمز و راز پوشیده بود.
در ۲۸ سپتامبر ۱۹۹۰ ساتیا سای بابا قسمتی از زندگی دوران کودکی قدیس شیردی را تشریح می کند.
بر اساس اظهار ایشان شری بابا شیردی در ۲۸ سپتامبر ۱۸۳۵ در جنگلی نزدیک دهکده پاتری در ایالت حید آباد هند در خانواده‌ای بر همن به نام بهار دواجا گوترا (bhardwajagotra) به دنیا آمد نام مادرش دوگیری عمه (devgiriamma) بود.
شیردی بابا در ۱۵ اکتبر ۱۹۱۸ فوت شد.
اکثر اتفاقات زندگی سای بابا شیردی در کتاب شیردی سای بابا چاریتا sai baba charita به چاپ رسیده و یا توسط دوستداران وی به صورت پراکنده منتشر شده است.

آثار و کتب سای بابا

کتابهای ترجمه به فارسی سای بابا
(۱ - تعالیم معنوی
۲ - زندگی من پیام من
۳ - افکار الهی برای ۳۶۵ روز سال
۴ - درخت ارزشها را آبیاری کنیم
۵ - یوگای عاشقانه)

رام الله@

رام خدای آیین یشنو یکی از سه آیین بزرگ هندوستان و الله خدای متعال در اسلام یعنی همان خداوند است.

این آیین در سال ۱۵۰۰ میلادی توسط شخصی به نام شیخ کبیر در هندوستان پایه‌گذاری شد.

شیوه تبلیغ آن در ایران به شیوه گلد کوئیست است هر کسی برای آنکه در حلقه رام الله بماند باید یک نفر جدید را به رام الله معرفی کند وگر نه از دایره رام الله خارج خواهد شد.

این آیین با نامهایی از قبیل «جریان هدایت الهی، هنر زندگی متعالی و تعلیمات حق» به تبلیغ و ترویج افکار خود می‌پردازد. کتاب «جریان هدایت الهی» توسط پیمان الهی ترجمه به فارسی شده است که از جمله مجموعه تعالیم رام الله رهبر این فرقه می‌باشد.

اوشو: در سال ۱۹۳۱ در «کوچ وادا» در ایالت مادیا پرداش هند به دنیا آمد و در سال ۱۹۹۰ در سن ۵۹ سالگی از دنیا رفت به راجا و راجنیش تغییر نام داد و در ۱۹۶۰ به آچاریا راجنیش معروف شد از سال ۱۹۷۱ با عنوان «باگوان شر راجنیش» شناخته شد و نهایتاً در سپتامبر ۱۹۸۹ رسماً عنوان اوشو را برای خود برگزید. اوشو یعنی: حل شده در اقیانوس— شخص متبرک ملکوتی، که آسمان بر او باران گل می‌بارانند با ۳۳ زبان ۶۵۰ کتاب از سخنرانی‌های او منتشر شده است ۷۰۰ سخنرانی او بر روی نوار کاست و ۱۷۰۰ سخنرانی ویدیویی دارد. کتاب غیر افسانه‌ای او در ایتالیا، ژاپن، کره عنوان پرفروشترین را داشته است ۸۵ کتاب او به زبان فارسی چاپ شده است.

در سال ۱۹۸۱ به آمریکا مهاجرت کرد و مقیم آنجا شد مریدان آمریکایی او در ریاست او رایگان زمینهایی را خریداری کردند وطی مدت ۴ ماه شهری به نام «راجنیش پورام» به عنوان مرکز آیین اوشو مشهور شد.

برخی می‌گویند آمریکایها به دلیل ترس از بالا گرفتن او و یا به دلیل فسادهای اخلاقی و جنسی بی‌حد حصر او و مریدانش، در ۱۹۸۶ اخراج شد که احتمالاً ـ بیشتر یک مسأله سیاسی بوده است زیرا حقیقت آن است که تعالیم اوشو در بسیاری از موارد کاملاً متأثر از فرهنگ و تمدن غرب و لیبرالیسم در همه ابعاد آن می‌باشد.

اوشو همه بی‌بند و باریهای جنسی را به انگیزه معنویت و عرفان ترویج می‌دهد در نهایت در سال ۱۹۹۰ بر اثر بیماری مشکوکی از دنیا رفت. بعضی مرض او را در اثر گاز تالیوم آمریکاییها و یا تشعشعات رادیو اکتیو در ۱۹۸۶ در بازداشتگاه می‌دانند و برخی می‌گویند که در اثر فسادهای اخلاقی و جنسی و نهایتاً ایدز از دنیا رفته است.

کتابها (راه کمال، فقط یک آسمان، مدیتیشن چیست، نغمه زندگی، آه این عشق، رقص، زندگی به روایت بودا، راز «۸ جلد»، مراقبه هنر وجد، خلاقیت، بلوغ، کودک نوین، یک زندگی، یک ترانه، یک رقص، اینک برکه‌ای کهن، آینده طلایی، آفتاب در سایه، ضربان قلب، نهایت عشق ورزیدن، زور بای بودایی، هفت بدن هفت چاکر، تائوییزم) اکنکار: پال توئیچر اهل کنتای آمریکا رهبر و بنیانگذار آن است ۱۹۰۸ – ۱۹۱۲ – ۱۹۲۲ احتمال تولد اوست در جنگ جهانی دوم در نیروی دریایی آمریکا مشغول فعالیت بوده است و برای آشنایی با روح شناسی به هند رفت و از شخصی به نام استاد سودار سینگ بهره جست و مدعی شد که سودار سینگ نهصد و شصت و نه استاد بزرگ راک در طول تاریخ بوده‌اند.

توئیچل مدعی شد که سودار سینگ او را به شخصی افسانه‌ای که پانصد واندی سال سن داشته به نام «ربازا تارز» معرفی کرده است و تحت تعالیم او بوده است.

در سال ۱۹۶۵ به آمریکا برگشت و ادعا کرد که شیوه‌ای معنوی و آیین دینی با نام «اکنکار» کشف کرده است و با نام معنوی «پدر زاسک» مشغول تبلیغ مکتب خود شد.

وی مدعی شد که اکنکار کوتاه‌ترین راه و در نتیجه صراط مستقیم رسیدن به حقیقت است در سال ۱۹۷۰ مؤسسه غیر انتفاعی با عنوان اکنکار تأسیس کرد و کارگاه‌های آموزشی سفر روح را تشکیل داد و در سال ۱۹۷۱ از دنیا رفت ۶۰ کتاب از او ترجمه شده است که یک سوم آن به زبان فارسیست. وی مدعی شد من رهبر معنوی جهان هستم و قبل از من ۱۹۷۰ استاد دیگری وجود داشته است که در طول تاریخ بشر همواره مردم را به سوی راک (یعنی روح الهی، جریان مسموع حیات، جوهره خداوند که خلقت و

محافظت از تمامی حیات را بر عهده دارد راهنمایی می کردند.

نام شخصیت‌هایی مثل مولوی، حافظ، شمس تبریزی، عطار نیشابوری، فردوسی و ... را در زمره استادان آورده است.

پس از مرگ توئیچل شخصی به نام داروین گراس جانشین وی شد تا سال ۱۹۸۱، سپس او را عزل و اخراج کردند (به دلیل ازدواج با همسر توئیچلو)

در سال ۱۹۸۱ هارولد کلمپ جانشین وی شد و از سال ۱۹۶۹ تحت تعلیمات توئیچل بوده است و چهار سال هم در نیروی دریایی آمریکا بوده است هارولد تجربیات خود را در کتابهای «نسیم تحول» و «روح نوردان سرزمین‌های دور» و «کودک در سرزمین وحش» به رشته تحریر درآورده است هر ساله در ۲۲ اکتبر همایش سراسری در مرکز اصلی این مکتب در آمریکا در سالروز تولد پال توئیچل برگزار می کنند، دارای سایت رسمی می‌باشند. کتابها: (آزادی معنوی چیست؟

، آیا زندگی یک قدم زدن با تفاخر است؟

از استاد بپرسید، استاد رؤیا، پنجه زمان، تمرینات معنوی، جوینده، در پیشگاه استادان راک، دفترچه معنوی، دندان ببر، راه بقای معنوی در اثر حاضر، روح نوردان سرزمین‌های دور، زبان سِّری، سرزمین‌های دور و) ... عرفان سرخ پوستی: عرفان ساحری، مؤسس آن کارلوس کاستاندا می‌باشد این عرفان را بعضاً عرفان عقاب نیز می گویند در ظاهر سخن و معرفتهایی را بیا ن می کند که با روح تفکر جدید غربی بیگانه است هر چند در باطن کاملاً مرتبط با مدرنیته و انسان عصر جدید است کاستاندا در سال ۱۹۳۱ به دنیا آمد و در سال ۱۹۹۸ در سن ۷۳ سالگی از دنیا رفت ابتدا در رشته مجسمه سازی و نقاشی تحصیل کرد بعد از مهاجرت به امریکا و از سال ۱۹۵۱ در رشته مردم شناسی به ادامه تحصیل پرداخت برای تحصیل درباره موضوع پایان نامه فوق لیسانس خود درباره گیاهان طبی و روان گردان سرخپوستی در سال ۱۹۶۰ به مکزیک رفت در ایستگاه اتوبوس در آریزونا با پیرمردی به نام دون خوان که ظاهراً متخصص گیاهان دارویی بود آشنا شد دون خوان او را با دنیای سیر و سلوک آشنا کرد و به عنوان پیر وراهنمای طریقت او عمل کرد. کاستاندا از تحقیق درباره گیاهان دارویی دست می کشد و فریفته شخصیت دون خوان می‌شود. کاستاندا در سال ۱۹۸۶ نخستین کتاب خود را با عنوان آموزش‌های دون خوان به چاپ رساند دوران آموزش دون خوان به کاستاندا بیش از ده سال طول می کشد اینکه واقعاً دون خوان وجود داشته یا نه هیچ سندی جز اظهارات کاستاندا وجود ندارد. دون خوان در آموزش‌هایی که به کاستاندا می‌دهد از قوم تولتک سخن می گوید و آنها را به عنوان منبع دانش و معرفت معرفی می کند اینان در شمار سه نژاد اولیه بوده‌اند که در آتالانتیک مستقر شدند. کتابهای کاستاندا به هفده زبان دنیا ترجمه شده است وبسیاری از کتابهای او به فارسی ترجمه شده است.

هانری کربن یکی از طرفداران کاستاندا بود که کتابهای او را در ایران رواج داد. کاستاندا شخصیت مرموزی بوده است او تصریح می کند که هیچ علاقه‌ای به عرفان و آیین‌های راز آلود ندارد اما همسرش می گوید عرفان و مکاتب راز آلود یکی از مهمترین دغدغه‌های او بوده است شاید این راز آمیزی و ابهام درباره هویت و گذشته کاستاندا به صورت عمومی از خود او ناشی شده است زیرا یکی از مفاهیم «دون خوان» از بین بردن و محو گذشته شخص است حتی با دروغ گفتن. بعضی کاستاندا را یک سارق ادبی تمام عیار دانسته‌اند و وجود شخصیت‌های اصلی داستانهای او را حتی دون خوان زیر سؤال برده‌اند.

ادعاها و کرامات سای بابا

حجت الاسلام و المسلمین دکتر محمدتقی فعالی، مدرس حوزه و دانشگاه و نگارنده ۹ جلد کتاب در باب جنبش‌های نوظهور معنوی، در ششمین نشست از سلسله نشست‌های «آسیب شناسی عرفان‌های کاذب» که در سازمان فعالیت‌های قرآنی دانشجویان کشور برگزار شد، به ایراد سخنرانی پرداخت.

فعالی با بیان این که عرفان‌های نوظهور را در هفت بخش می‌توان تقسیم کرد، گفت:

بخش اول آیین‌های نوپدید، عرفان‌های معنوی هند است که خود در دو بخش آیین سنتی و آیین نوظهور منقسم می‌شود که در میان آیین نوظهور، توضیح دو آیین معنوی «یوگا» و «اشو» در جلسات گذشته بیان شد.

این محقق و پژوهشگر با اشاره به سومین آیین معنوی و نوظهور هند خاطرنشان کرد:

سومین کیش معنوی هند، آیین معنوی «سای بابا» است.

سای بابا در سال ۱۹۴۷ میلادی در هند چشم به جهان گشود و در تاریخ سوم اردیبهشت سال ۱۳۹۰ شمسی از دنیا رفت.

وی با بیان این که سای بابا در پیش بینی‌های خود اعلام کرده بود که در سن ۹۶ سالگی از دنیا خواهد رفت، افزود:

سای بابا ۱۳ سال قبل از پیش بینی خود یعنی در سن ۸۳ سالگی از دنیا رفت. وی شش کتاب معروف دارد که معروف‌ترین کتاب وی با عنوان «تعلیمات ساتیا سای بابا» شهرت یافته که در دو جلد بارها تجدید چاپ شده است.

فعالی با تأکید بر این که سای بابا در چند سال اخیر با عنوان «پدر عرفان‌های نوظهور» شهرت پیدا کرده بود، تصریح کرد:

مراجعات متعددی از سراسر دنیا از جمله ایران به هند برای دیدار و مشاوره‌های معنوی با سای بابا و اطرافیانش صورت می‌پذیرفت و در مجموع می‌توان گفت سای بابا شخصیتی معروف و مشهور برای ایرانیان بود.

این مدرس حوزه و دانشگاه با بیان این که نماد آیین معنوی سای بابا رنگ نارنجی است، عنوان کرد:

خود سای بابا نیز همیشه یک دشداشه بلند نارنجی رنگ بر تن داشت. همچنین یک عصای بلند مطّلا و نارنجی رنگ که دو سر مار بر آن نقش بسته بود، همواره در دست داشت. کتاب‌ها و سایت‌های وی نیز همگی با رنگ نارنجی است.

فعالی با اشاره به سایت رسمی سای بابا با عنوان «ایران بابا» عنوان کرد:

این سایت نیز که از گرافیک بسیار بالایی برخوردار است، نارنجیست و هر پنجره جدید نیز که باز شود، نارنجی رنگ است.

این سایت حاوی آثار، سخنان، فایل‌های صوتی و فیلم‌های سای بابا با امکان دانلود است.

این محقق و پژوهشگر افزود:

سای بابا شخصی بلند قد با موهای مُجَعَّد و سیاه چرده است.

وی شخصی سخنور نبود و هرگز اهل سخنرانی‌های طولانی مدت مانند اشو نبوده است و سخنرانی‌هایش کوتاه است.

در یک قیاس ساده، هم مدت زمان و هم دفعات سخنرانی‌های سای بابا کمتر از اشو بوده است.

وی با اشاره به محورهای سخنرانی‌های سای بابا اظهار کرد:

سای بابا آیینی جذّاب و برای برخی از افراد محبوب است.

در ایران نیز به همت سایت‌های تبلیغاتی این آیین و حمایت‌های مالی و فکری حامیان آن از نفوذ چشمگیری برخوردار است.

این مدرس حوزه و دانشگاه با اشاره به دلایل محبوبیت عرفان سای بابا خاطرنشان کرد:

مهم‌ترین دلیل برای محبوبیت و جذابیت کیش سای بابا را می‌توان در دو امر خلاصه کرد. سادگی بیان در گفته‌ها و نوشته‌های سای بابا کمک شایانی به محبوبیت آیین وی کرده است.

سای بابا شخص صاحب قلمی بود کتاب‌های وی نوشته خودش است، یعنی کتاب‌های سای بابا همچون جلسات سخنرانی اشو نبوده که بعد از مرگ وی توسط پیروانش به نگارش در آمده باشد.

فعالی با بیان این که اگر بخواهیم معنویت و عرفان را در سطح جامعه و در میان اقشار مردم رواج دهیم، اولین گام ساده سازی آن است، افزود:

بیان این مطلب در مورد عرفان نوظهور «اشو» نیز گذشت. اشو نیز همچون دیگر هم قطاران خود از سادگی بیان ویژه‌ای برخوردار

بود.

ذکر مثال تأثیر چشم گیری در رواج یک عرفان ایفا می کند

وی با تأکید بر این که ذکر مثال تأثیر چشم گیری در رواج یک عرفان ایفا می کند، عنوان کرد:

بیان مثال و حکایت، در رشد و گسترش یک عرفان بسیار مؤثر واقع می‌شود. سای بابا نیز همچون اشو با بهره گیری از مثال و حکایت و ساده سخن گفتن توانست ایده‌ها و نظریات خود را در جهان گسترش دهد.

این محقق و پژوهشگر در ادامه با اشاره به رشد و گسترش عرفان سای بابا تصریح کرد:

به جز ساده بیان کردن مطالب، کراماتی که از سای بابا بیان شده نیز نقش چشمگیری در گسترش و فزونی پیروان وی داشته است.

از سای بابا معجزات و قدرت‌های معنوی فراوانی نقل شده که البته کارهای وی از نظر خودشان معجزه است، اما در یک تعریف صحیح از کرامات، این دست امور در قالب کرامات نمی گنجد.

فعالی با تأکید بر این که کرامات نقل شده از سای بابا فراوان است، اظهار کرد:

کراماتی که از سای بابا نقل می‌شود، در سه بخش دسته بندی کرده‌اند؛ کرامات دوران کودکی، دوران بزرگسالی و دوران کهنسالی. به عنوان مثال از دوران کودکی وی نقل شده هنگامی که سای بابا متولد شد (تولد وی در منزل پدربزرگش بود) تمام آلات و ادوات موسیقی که در خانه بود، شروع به نواختن کردند.

این مدرس حوزه و دانشگاه ادامه داد:

از دیگر کرامت زمان کودکی سای بابا اینست که در سنین خردسالی، زیر گهواره وی مار کبری مشاهد شد.

البته باید توجه کرد که مشاهده مار کبری زیر گهواره در فرهنگ هند به معنی دستیابی به سلطنت معنوی در بزرگسالی است.

وی با اشاره به دیگر کرامات منقول از سای بابا افزود:

از دیگر کرامات سای بابا در دوران کودکی نقل شده که در پاکتی خالی دست می کرد و از آن نوشت افزار در می‌آورد و به کودکان هدیه می‌داد. البته باید توجه کرد که تمام این کرامات، ادعاهاییست که از جانب طرفداران و پیروان خود او نقل شده و چیزی نیست که از سوی همگان دیده شده باشد.

فعالی با اشاره به مهم‌ترین کرامات نقل شده از سای بابا خاطرنشان کرد:

به عنوان مقدمه جالب توجه است بدانیم اغلب توریست‌هایی که برای زیارت و دیدار سای بابا به هندوستان سفر می کردند، از دو کشور آمریکا و ایران بودند. ملاقات‌های وی با مردم در عصر پنج شنبه هر هفته صورت می گرفت.

این محقق و پژوهشگر با بیان این که سای بابا در منطقه‌ای در شمال غرب هندوستان که بسیار سبز و خرم است سکونت داشت، عنوان کرد:

سای بابا در یک کاخ مجلل و زیبا در منطقه جنگلی «آشرام» زندگی می کرد. عصر پنج شنبه توریست‌ها در مقابل کاخ وی صف می کشیدند که گاه طول این صف به دو سه کیلومتر می‌رسید.

وی ادامه داد:

سای بابا حدود ساعت ۳ از کاخ خود در حالی که دشداشه نارنجی رنگ به تن داشت و سه نفر از پشت لباس وی را گرفته بودند، در حالتی پادشاهانه از کاخ خود خارج می‌شد و در میان مردم قدم می‌زد. گزارشات نقل شده از وی حاکیست هنگامی که سای بابا در مقابل جمعیت از کاخ خود خارج می‌شد، دستهایش را به سمت بالا می‌برد، در حالی که پشت دستهایش رو به آسمان و کف دست به سوی زمین بود.

فعالی توضیح داد:

در فرهنگ هندوستان به دو گونه دستها را به سوی آسمان بلند می کنند.
اگر کف دست به سوی آسمان باشد، به معنی عبودیت و بندگی و نیاز به آسمان است، اما اگر پشت دستها رو به سوی آسمان داشته باشد، به معنی بی نیازی از آسمان و دادن انرژی به زمین و زمینیان است.
این مدرس حوزه و دانشگاه با تأکید بر این که گویی نوعی ادعای الوهیت در این گونه حرکت دست نهفته است، اظهار کرد:
نقل شده هنگامی که سای بابا دستهایش را بلند می کرد، ماده‌ای سفید رنگ از سرانگشتان وی خارج می‌شد و فضا را عطرآگین می کرد.
فعالی ادامه داد:
سای بابا هنگام حرکت در میان صفوف مردم، به کسی نمی‌نگریست و نگاهش به افق آسمان بود.
کسی از او حق سؤال پرسیدن نداشت و اگر سؤال می‌پرسید، سای بابا پاسخش را نمی‌داد. گاه در رفت و آمد خود در میان جمعیت، با چرخش دست در هوا جواهری می گرفت و به کسی هدیه می‌داد.
وی در پایان گفت:
از دیگر کرامات سای بابا این بود که بر روی تخت بزرگ طلایی خود می‌نشست و با انجام حرکاتی خاص یک توپ طلایی از دهانش خارج می کرد و به شخصی هدیه می‌داد. با توجه به این موارد می‌توان گفت که مهم‌ترین دلیل شهرت سای بابا کراماتیست که از وی سر زده است.

بخش نقدها

تحلیل و بررسی آموزه‌های سای بابا

تحلیل و بررسی آموزه‌های سای بابا تحلیل و بررسی سای بابا و اندیشه‌های او در چند بخش قابل پیگیری می‌باشد:
۱. خدا وی درباره خدا تعابیر خاصی دارد. از مجموع گفته‌های او درباره خدا به دست می‌آید که سای بابا تصویری روشن از خدا ندارد. گاهی قائل به حلول است گاهی قائل به همه خدایی یا پانتئیسم و گاه خدا را از سنخ روح کیهانی و انرژی می‌داند که هیچکدام از اینها مطابق با خدایی که قرآن و اسلام با دلایل قطعی معرفی می کنند نیست. از سوی دیگر از آثار سای بابا به دست می‌آید که عشق به خدا اصالت دارد نه خدا. عشق یک امر انسانی است و در تهاجم انواع مشکلات روحی یا روانی عشق است که در بشر اهمیت دارد نه متعلق عشق لذا خدا در این آموزه‌ها جایگاه نداشته و بهانه‌ای برای همین عشق است که باطل بودن این آموزه روشن است.
از اینها گذشته سای بابا از اندیشه‌ها و تعالیم بودا الهام می گیرد و نکته قابل توجه اینست که بودا در میان مکاتب بدون خدا جای می گیرد لذا سای بابا نمی‌تواند هم از بودا الهام گیرد و هم از خدا بگوید. پس یا خدایی رو همچون بودا قبول ندارد یا به نوعی دچار تناقض جدی است.
۲. برابری مذاهب سای بابا تمام ادیان و مذاهب را برابر می‌بیند و از نظر او هیچ مذهبی و هیچ دینی بر دیگر مذاهب برتری ندارد و اصلاً اعتقاد به دین خاصی را ضرورت نمی‌داند و مکتب خود را بالاتر از همه مذاهب و ادیان می‌داند. برابری ادیان به معنای پلورالیسم دینی است.
پلورالیسم دینی نگرش کلامیست که در سال‌های اخیر ریشه در اندیشه‌های جان هیک دارد. وی در زمینه تنوع و تکثر ادیان سه رویکرد را عنوان کرده است:

– انحصارگرایی به این باور است که کمال و رستگاری تنها از طریق یک دین به دست می‌آید. ادیان دیگر حقایقی را در بردارند اما منحصرا یک دین می‌تواند حق باشد.

– شمول گرایی که مدعیست تنوع و تعدد در تجربه‌های دینی را باید پذیرفت در عین حال که دعاوی ادیان قابل صدق و کذب است.

– پلورالیسم دینی این ادعا را مطرح می‌کند که حقیقت واحد است اما این حقیقت واحد در دسترس یک فکر و یک دین نیست بلکه تمامی ادیان می‌توانند حامل حقیقت باشند بنا بر این آنها در نجات و رستگاری شریکند.

در میان انواع پلورالیسم دینی آنچه بیشتر اهمیت دارد پلورالیسم حقیقت است.

به اختصار می‌توان گفت که قرآن تمام حقیقت را منحصر به اسلام می‌داند.

دلیل آن هم روشن است چون دین خاتم که به دست پیامبر خاتم و آخرین کتاب آسمانی (قرآن) برای بشر آمده، اسلام است و در این زمان تنها دین نجات بخش اسلام است.

امروزه افراد زیادی در سطح جامعه در نگرش حتی بدون اطلاع به آن معتقد هستند و راه‌های مختلف و حتی باطل را وسیله‌ای برای عرفان و تقرب می‌دانند. برای مطالعه بیشتر در مورد نقد این نگرش به این کتاب‌ها مراجعه کنید:

۱ – تحلیل و نقد پلورالیسم دینی، علی ربانی گلپایگانی، مؤسسه‌ی فرهنگی دانش و اندیشه‌ی معاصر، صص ۳۶ و ۷۷۱.

۲ – دین شناسی، محمّد حسین زاده، مؤسسه‌ی پژوهشی امام خمینی رحمه الله..

۳ – تازه‌های اندیشه، (پلورالیسم دین، حقیقت، کثرت)، هادی صادقی، معاونت امور اساتید و دروس معارف اسلامی، صص ۴۹ و ۲۱۱.

۴ – لوازم فلسفی – کلامی پلورالیسم دینی، علی اکبر رشاد، کتاب نقد، ش ۴، صص ۶۹ و ۵۰۱.

۳. ذکر و سلوک سای بابا درباره خدا و نیز موانع و عوامل سلوک مباحثی را مطرح کرده که در مقایسه با منابع اسلام از جهت کم و کیف بسیار پایین‌تر می‌باشد.

همچنین برخی از آموزه‌های عرفانی سلوکی همچون روزه در تعالیم وی کاری اشتباه معرفی شده است.

۴. عیسی مسیح بدون شک سای بابا از حضرت عیسی علیه‌السلام و مسیحیت متاثر است و آن را در موارد مختلف به صورت علنی و آشکار اعلام می‌دارد.

۵. قدرت‌های معنوی یکی از مسائل مهمی که در بیشتر عرفان‌ها به ویژه عرفان‌های هندی و مرتاضان مطرح است، قدرت‌های خارق‌العاده است.

در این باره باید گفت:

اولاً بسیاری از این قدرت‌های ادعا شده پوشالی، دروغ و خالی از واقعیت است.

البته در برخی موارد محدود هم واقعیت دارند.

ثانیاً در برخی توانایی‌های خارق‌العاده که واقعیت هم باشند باید گفت که اینها خاصیت نفس است.

یکی از سنت‌های الهی اینست که اگر نفس را محدود کنیم و آن را به گونه‌ای خاص تمرین داده و تربیت کنیم، قدرت‌ها و توانایی‌های نهفته آن آشکار می‌شود. بنا بر این این گونه توانایی‌ها نه به دلیل شخصیت آنها بلکه به همین دلیل تمرین در نفس است که در همه انسان‌های امکان آن وجود دارد.

ثالثاً نکته بسیار مهم اینست که این گونه حرکات یا قدرت‌ها نه عرفان است و نه نشانه‌ای از عرفان راستین. عرفان حقیقی چیزی جز تقرب و معرفت به خدا نیست و آنچه به عنوان نشانه راستین بودن است نباید قابل تمرین و یادگیری باشد و از کسی سر نزند که

معجزه نام دارد اما آنچه این افراد انجام می‌دهند قابل تمرین و تکرار هستند.

در مجموع هر چند تعالیم سای بابا آلودگی‌های مکاتبی همچون اشو را کمتر دارد ولی به جز اینکه تعالیم آن در تعالیم هندیست که مردود می‌باشد برخی از اصول تعلیمات وی مخدوش بوده و اصلاً قابل دفاع نیست. همچنان که با قرآن، احادیث و عرفان اسلامی نیز سازگار نیست

وبلاگ نویزها

بخش آموزه‌ها

تناسخ و کارما

تناسخ از ویژگی‌های مشهور ادیان و آیین‌های هندی است.

سای بابا نیز این مسأله را جایگزین معاد نموده است.

مدعای معتقدان به تناسخ اینست که روح انسان به هنگام مرگ، یک سلسله‌ی توالد را سپری می‌کند و به صورت متوالی از علمی به عالم دیگر در می‌آید. بار دیگر به هنگام مرگ، به پیکری دیگر منتقل می‌شود و این چرخه تا بی نهایت ممکن است تداوم داشته یابد. البته انتقال ارواح از جسمی به جسمی دیگر لزوماً در یک سطح نیست. مثلاً گاهی در قالب نباتات و درختان و زمانی به شکل حیوانات نمودار شود. کرمه یا کارما که بر اساس آن کیفیت و چگونگی توالد ثانوی و علت انتقال روح یک فرد به جسدی دیگر را توضیح می‌دهد. قانون کرمه در حقیقت همان نظام علّی و معلولیست که مورد قبول ما نیز است؛ اما سخن در اینست که اینان گمان می‌کنند حیات بعدی در همین دنیا و در تولدی مجدد در قالب موجود دیگر است.

بررسی تناسخ و کارما معتقدان به تناسخ، که طیف وسیعی از مکاتب و آیین‌های سنتی معنوی را شامل می‌شود، درباره‌ی مدت و زمان چرخه‌ی تناسخ اختلاف نظر دارند؛ برخی آن را سی هزار سال می‌دانند و گروهی دیگر می‌گویند ممکن است تا میلیون‌ها سال طول بکشد.

در نقد این دیدگاه اشکالات فراوانی وجود دارد، که به چند نمونه بسنده می‌کنیم:

هر نفسی در این عالم، با توجه به کارهایی که انجام می‌دهد، از قوه بودن خارج و فعلیت می‌رسد و هرگز امکان ندارد چنین نفسی بار دیگر به درجه‌ی قوه‌ی محض نزول کند و به بدنی تعلق بگیرد که در حالت جنینی و قوه‌ی محض است.

همان طور که بدن حیوان بعد از کامل شدن امکان ندارد به حالت نطفگی باز گردد. البته در دیگر مقالات مربوط به عرفانهای نوظهور هندی، مفصل به بحث در مورد رد تناسخ پرداخته‌ایم. سای بابا و تبلیغ کثرت گرایی عرفانی در آیین سای بابا کثرت گرایی عرفانی تبلیغ می‌شود. وی تصریح می‌کند که همه‌ی ادیان حقّند و هیچ تفاوتی با یک دیگر ندارند، هر چند دین خود ساخته‌ی خویش را کامل‌ترین آنها می‌داند و آن را به منزله‌ی صد می‌داند که چون کسی آن را داشته باشد، حقیقت همه‌ی ادیان دیگر را که همگی از صد کمتر هستند، خواهد داشت.

وی می‌گوید:

تمامی ادیان به سوی یک هدف رهنمون می‌شوند و تمامی انسان‌ها برادران یک دیگرند. [۷] همه مذاهب تنها به یک خدا تعلق دارند و به سوی یک مقصد رهنمون تان می‌سازند، ادیان در اصل هیچ تفاوتی با یکدیگر ندارند. تضاد باید این نکته را مورد توجه قرار داد که بسیاری از مدعیان کثرت گرایی عرفانی، هر چند در لفظ چنین ادعای را دارند، اما در عمل به این باور خود پایبند نیستند. اغلب اینان تنها راه نجات را پیروی از مرام و مسلک ادعایی خود می‌دانند. ادعای درستی ادیان دیگر برای پیروان خود از

سوی امثال سای بابا ادعایی ظاهری و صرفاً به منظور تبلیغ و جذب افراد بیشتر است و الا آنان به خوبی می‌دانند کسی که به تعالیم اسلام پایبند باشد، هرگز نمی‌تواند به تعالیم و آموزه‌های آنان تن دهد. به همین دلیل به پیروان خود اجازه‌ی گرایش به اسلام یا ادیان دیگر را نمی‌دهند. آنها تأکید می‌کنند برای آن که تعالیم آنان بتواند اثر گذار باشد، افراد باید دست از همه‌ی باورهای ذهنی و درونی پیشین خود بردارند. آیا این معنایی جز انحصار گرایی و انکار کثرت گرایی دارد؟

به راستی چگونه همه‌ی ادیان حقاً در صورتی که اعتقاد یک دین با دین دیگر در تضاد است؟!

جادو یکی از شاخص‌های عرفان‌های جدید استفاده از نیروهای جادویی و سحرآمیز است.

که البته در زندگی یک نواخت و ماشینی و به دور از معنویت انسان معاصر می‌تواند تنوع جالبی را ایجاد کند و به جذب افراد زیادی منجر شود. به خصوص در مواردی که یک مدعی رهبر فرقه‌ای معنوی توانایی خود را به خداوند نسبت بدهد، در این صورت کارهای جادویی به جای کرامات معنوی اولیاء خدا ارائه می‌شود و روی مردم تأثیر بیشتری می‌گذارد. سحر و جادو از زمان حضرت سلیمان – عَلَیْهِ السَّلَام – در بین مردم رواج یافت. گروهی از مردم با افرادی از جن که در تسخیر حضرت سلیمان – عَلَیْهِ السَّلَام – بودند، ارتباط برقرار کرده و با کفر ورزیدن به قدرت خداوند، سحر و جادو را از اجنه آموختند و از تعالیم آن پیروی کردند.

«وَ اتَّبَعُوا ما تَتْلُوا الشَّیاطِینُ عَلی مُلْکِ سُلَیمانَ وَ ما کفَرَ سُلَیمانُ وَ لکنَّ الشَّیاطِینَ کفَرُوا یعَلِّمُونَ النّاسَ السِّحْرَ»

پس از آن سحر و جادو در زندگی مردم مشکلاتی را ایجاد کرد و خداوند با فرستادن دو فرشته در بابل راه‌های باطل کردن سحر را به مردم آموخت ولی مردم از آن دو چیزهایی را فرا گرفتند که برایشان فایده‌ای نداشت.

بسیاری از مردم گمان می‌کنند کارهای خارق‌العاده نشانه‌ی حقانیت یک مکتب می‌تواند باشد.

مدعیان و سود جویان نیز از همین سادگی مردم استفاده کرده و با قدرت‌های که به دست می‌آورند سعی می‌کنند با انجام کارهایی که از توان عموم مردم خارج است و یا پیشگویی‌ها و پیش بینی‌هایی درباره‌ی حوادث روز مره، چنین جلوه دهند که همه‌ی سخنان آنان حق است و مهر تأیید الهی دارد. هرگز نمی‌توان انجام کارهای خارق‌العاده را نشانه‌ی حقانیت و درستی راه و روش یک عارف دانست. هر چند برخی از کارهای خارق‌العاده در اثر توانمندی‌ها و استعدادهای خدادادی است؛ اما بسیاری از آنها معلول ریاضت‌ها و تمرین روحی و گاهی شیطانی است.

توضیح این که، روح انسانی دارای قدرتی خارق‌العاده و شگفت انگیز است.

هر انسانی اگر بتواند غرایز حیوانی را سر کوب نماید، می‌توان از قدرت خارق‌العاده‌ی روح خود استفده کند.

سنت الهی در این عالم به این صورت است که هر کس به هر میزان و به هر انگیزه‌ای که تلاش کند، از حاصل تلاش خود بهره می‌برد. البته گاهی توانایی و قدرت شیطانی است و از راه ارتکاب بدترین خبائث به دست می‌آید. کارهای خارق‌العاده‌ی ارزش دارد که در سایه‌ی عمل به دستورات الهی به دست آمده باشند، هر چند هیچ عارف حقیقی عملی را برای دستیابی به کارهای خارق‌العاده انجام نمی‌دهد، زیرا عرفان حقیقی چیزی جز معرفت و تقرب به خدا نیست. آیا نباید با رشد فکری و عقلی بشر نوع اعجاز نیز تغییر نماید؟ به حق باید اعجاز پیامبر آخرین از سنخ سخن باشد، تا مردم با تأمل در آن حقیقت را در یابند و آن معجزه قرآن است وبس. هانری کربن فرانسوی مطلبی دارد به این مضمون: دینی (قرآنی) که بی‌شمار آیاتش در مورد تفکر و تعقل است نمی‌تواند خرافی باشد، زیرا با تفکر انسان خوب را از بد تشخیص می‌دهد. سای بابا خدای خیالی فطرت انقیاد و خضوع، انسان را وا می‌دارد که در برابر منبع کمال سر تعظیم فرود آورد و به سجده و ستایش روی آورد. تجربه‌ی ملکوتی و فطری انسان از حضور در محضر کمال و قدرت مطلق الهی که به ربوبیت او شهادت داده و تجربه‌ی خضوع و خشوع در برابر خدا اگر چه از یادش رفته باشد، شناختش در باره‌ی او باقی است.

در این جهان نیز انسان به طور فطری در جستجوی حقیقتی متعالی است، تا در برابر وی خضوع کند.
برای انسان‌هایی که خدای حقیقی را فراموش کرده‌اند این تمنای فطری تبدیل پذیر و از بین رفتنی نیست، بلکه به صورت‌های نادرست و غیر حقیقی سر بر کشیده و به طور فریبنده‌ای مورد عمل قرار می گیرد.
در دنیایی امروز با تمام پیشرفت‌هایی که انسان معاصر داشته، به علت ناتوانی تشخیص و ارضای راستین این کشش فطری به پرستش خدایی از جنس خویش روی آورده است.
سای بابا مدعیست که خدای خالق در او حلول کرده و معجزه‌اش تولید انبوهی خاکستر با دستش است.
وی مردم را به ستایش و پرستش خویش فرا می‌خواند و فطرت‌های تشنه‌ی انقیاد و خضوع که حقیقت را نشناخته‌اند، ناگزیر در برابرش زانو می‌زنند. او به هوادارانش این متون و اذکار را توصیه می کند، تا در حالت آرامش و توجه کامل در برابر او بخوانند:
خودتان را محصور من بدانید، به من مشغول باشید جنون بابا را در زندگی تان خلق کنید، باور کنید که از این جنون شیرین‌تر نیست به عشق هم عادت کردیم، همه این سال ها، فرم‌های مختلفی از عشق را برای شما گرفتم مثل کودکی پرورش تان دادم، مثل پدر و مادری عاشق، تا رشد کنید من فرم برادر و خواهرتان را به خود گرفتم ... من آمده‌ام تا سعادت بدهم، من آمده‌ام تا ببخشم هیچ منظور دیگری از موجودیت من نیست همه اضطراب و مشکلات خود را به من بسپارید و از من آرامش بگیرید بیا و مرا پیدا کن و خودت را پیدا کن از نزدیک به من نگاه کنید، به فراسوی فرم بدن و درون نگاه کنید سای بابا خود را برهما، خدای خالق و هستی بخش می‌پندارد و از مردم می‌خواهد، تا او را ستایش و تعظیم کنند؛ به او عشق بورزند، تا به آرامش و عشق برسند؛ آرامش و عشقی که در ملکوت تجربه کرده‌اند، فطرتشان ار آن آگاه است و در این جهان نیز به دنبال آن می گردند. حال این که کمال مطلقی که فطرت خواهان خشوع در پیش گاه اوست کجا و یک انسان نیازمند و محدود کجا؟

مَنابع

۱. آفتاب و سایه‌ها، نگرشی بر جریان‌های نوظهور معنویت گرا، دکتر محمد تقی فعالی، نشر نجم الهدی،
۲. جریان شناسی انتقادی عرفان‌های نوظهور، حمید رضا مظاهری سیف، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۳. در آمدی بر عرفان حقیقی و عرفان کاذب، احمد شریفی، انتشارات صهبای یقین.
۴. محمد تقی مصباح یزدی، در جستجوی عرفان اسلامی، مرکز انتشارات موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره)، چاپ اول، تابستان ۱۳۸۶، قم.

بررسی آموزه‌های سای بابا

۱] – خدا

سای بابا درباره خدا تعابیر خاصی دارد. بدون هیچ قضاوتی برخی از تعابیر او را ببینید:
«خداوند، خود دارما (رفتار صحیح) [(= (آموزش))] است و پوشش جهان آفرینش است.
آیا بین شیء و تصویرش تفاوتی هست؟
شما همه او هستید و او همه شما. همه انسان‌ها جزیی از خدای واحدند. عشق و خداوند از یکدیگر جدا نیستند؛ خداوند عشق است و عشق خداست.
من او هستم. آنچه در جسم به شکل روح الهی وجود دارد، خداوند است.

شما همه سلول‌های زنده‌ای در بدن خداوند ید. وظیفه خداوند است.»

او در موردی توصیه می‌کند انسان مبتلاـ به استدلالات در باب خدا نشود که اینها با عشق سازگار نیست و عبادت اهمیتی به آن نمی‌دهد. از مجموع گفته‌های او درباره خدا به دست می‌آید که سای بابا تصوری روشن از خدا ندارد. گاهی قائل به حلول است، گاهی قائل به همه خدایی یا پانتئیسم و گاهی خدا را از سنخ روح کیهانی و انرژی می‌داند. اما خدایی که قرآن و اسلام به شریعت معرفی کرده است، هیچ کدام از اینها نیست. او خداییست که مبدأ کل جهان هستی است.

خداوند دارای وجودیست که فوق تمامی موجودات است.

او را اسما و صفاتی است.

از آن جمله این که احد، واحد، علیم، قدیر، حکیم، خبیر و ... است.

تمامی صفات کمالیه عین ذات اوست و در او هیچ نقص و کاستی راه ندارد. از آن جهت که او هادی است، سلسله انبیا و اوصیا و نیز کتاب‌های آسمانی را برای راهنمایی انسان‌ها فرو فرستاد و از آن رو که عادل است، عالمی را به نام قیامت برای محاسبه اعمال انسان‌ها مقدر ساخت. این خداییست که دین و قرآن معرفی می‌کند.

چنین خدایی با هیچیک از کژفهمیها و کژ اندیشی‌های بشری سازگار نیست. از سوی دیگر از آثار سای بابا معلوم نیست عشق به خدا اصل است یا خدا. از بسیاری گفته‌ها و تعالیم سای بابا به دست می‌آید که آنچه اصالت و اهمیت دارد عشق است و عشق یک امر انسانی است.

واقعیت آن است که امروزه بشر به مشکلات و معضلات فراوانی گرفتار آمده و در این میان مشکلات روحی و روانی جایگاه خاصی دارد. مهم‌ترین پدیده‌ای که می‌تواند تا حدی آسیب‌ها و بیماری‌های روحی - روانی انسان مدرن را التیام بخشد، عشق و محبت است.

از این رو نسبت به آن حساسیت وجود دارد. پس آنچه برای بشر مهم است خود عشق است نه متعلق عشق. عشق است که می‌تواند آلام، رنج‌ها و خلأهای درونی انسان را کاهش دهد. عشق است که روابط انسانی را بهبود می‌بخشد و عشق است که مشکلات به وجود آمده از رفتار و کردار خود انسان را درمان است.

بنا بر این خود عشق اهمیت یافته و عشق به خدا بهانه‌ایست برای دستیابی به اصل عشق. از اینها گذشته، سای بابا از اندیشه‌ها و تعالیم بودا الهام می‌گیرد و چنان که گذشت، بودا در میان مکاتب عرفانی بدون خدا جای دارد. بنا بر این سای بابا نمی‌تواند عرفانی با خدا ارائه دهد و به عرفان بودا هم پایبند باشد.

۲] – برابری مذاهب

سای بابا تمام ادیان و مذاهب را برابر می‌بیند و از نظر او هیچ مذهبی و هیچ دینی بر دیگر مذاهب و ادیان برتری ندارد. «باید برای ارتقای ایمان و اعتقادتان به خداوند بکوشید. در غیر این صورت عبادت، سرودهای الهی، پرستش و همه اعمال نیک همگی به یک تشریفات مذهبی پوچ و غیر ارادی تبدیل می‌شود. تشریفاتی که تحت فشار اجتماع شکل می‌گیرند. تمامی ادیان به سوی یک هدف رهنمون می‌شوند و تمامی انسان‌ها برادران یکدیگرند. همه مذاهب تنها به یک خدا تعلق دارند و به سوی یک مقصد رهنمونتان می‌سازند، ادیان در اصل هیچ تفاوتی با یکدیگر ندارند.» این سخنان در اصل اولاً بدین معناست که اعتقاد به مذهبی خاص ضرورت ندارد و انسان با هر دین و مذهبی می‌تواند به آگاهی و تعالی برسد و این تعالی همان چیزیست که سای بابا می‌آموزد. سای بابا در واقع تعالیم خود را به عنوان یک مذهب برتر مطرح می‌کند.

در واقع برابری ادیان و مذاهب به معنای نفی ادیان و مذاهب و اثبات یک مذهب برتر به نام مکتب سای بابا است؛

ثانیاً، برابری ادیان به معنای پلورالیسم دینی است.

پلورالیسم دینی نگرش کلامیست که در سال‌های اخیر ریشه در اندیشه‌های جان هیک دارد. وی در زمینه تنوع و تکثر ادیان سه رویکرد را عنوان کرده است:

انحصارگرایی به این باور است که کمال و رستگاری تنها از طریق یک دین به دست می‌آید. ادیان دیگر حقایقی را در بر دارند، اما منحصراً یک دین می‌تواند حق باشد؛ شمول گرایی، که مدعیست تنوع و تعدد در تجربه‌های دینی را باید پذیرفت، در عین حال که دعاوی ادیان قابل صدق و کذب است؛ پلورالیسم دینی این ادعا را مطرح می‌کند که حقیقت واحد است، اما این حقیقت واحد در دسترس یک فکر و یک دین نیست، بلکه تمامی ادیان می‌توانند حامل حقیقت باشند، بنا بر این آنها در نجات و رستگاری شریکند.

در میان انواع پلورالیسم دینی آنچه بیشتر اهمیت دارد، پلورالیسم حقیقت است.

به اختصار می‌توان گفت که قرآن تمام حقیقت را منحصر به اسلام می‌داند.

دلیل آن هم روشن است، چون دین خاتم که به دست پیامبر خاتم (ص) و آخرین کتاب آسمانی برای بشر آمد، اسلام است.

قرآن از یکسو صراط مستقیم را منحصر به اسلام می‌داند:

«و اینست راه راست، پیروی آن کنید.» (انعام / ۱۵۳) و از سوی دیگر با صراحت اعلام می‌کند که اگر کسی غیر اسلام به عنوان دین حق پذیرفت، از او پذیرفته نیست.

۳] – ذکر و سلوک

سای بابا درباره ذکر خدا و نیز موانع و عوامل سلوک، مباحثی را مطرح کرد. اگر مطالب او را با مباحثی که در قرآن، احادیث، ادعیه و کتاب‌های عرفانی آمده است مقایسه کنیم تفاوت قابل توصیف نیست. چه از نظر کمیت و حجم، چه از نظر تبویب و دسته بندی، چه از نظر جامع و مانع بودن و چه از نظر برتری و کیفیت. یکی از مهم‌ترین شرایط سلوک ذکر خداست.

ذکر انسان را از عالم کثرت دور و به جهان وحدت نزدیک می‌کند.

ذکر خدا توجه به اسما و صفات اوست. این توجه باید پیوسته و مدام باشد تا این که غیر خدا از قلب انسان خارج و خدا جایگزین شود. حقیقت ذکر ملاحظه محبوب و نگاه به جمال یار است.

کسی که اهل ذکر است و به تماشای معشوق خود نشسته است، روا نیست به دیگری بنگرد. خداوند غیور است و از غیرت او دور است که چشم دیگری را ببیند. هر دیده‌ای که به او نظر کند و روی از او گرداند، خداوند نگاهش را کور کند.

ذکر مراتبی دارد. نخست ذکر ظاهریست که شرط آن حضور قلب است؛ سپس ذکر خفیست که در این صورت انسان باید به دوام مشهود و ملازم ت با سر دست یابد. آخرین مرحله ذکر، ذکر حقیقیست که چیزی جز شهود حق و فنای بنده در او نیست. آرامش که آرزوی بشر مدرن است، تنها در سایه ذکر خدا حاصل می‌شود:

«همان کسانی که ایمان آورده‌اند و دل‌هایشان به یاد خدا آرام می‌یابد؛ آگاه باشید که دل‌ها تنها به یاد خدا آرام می‌یابد.» (رعد / ۲۸)

از سوی دیگر در سلوک اسلامی روزه جایگاه ویژه‌ای دارد، اما در تعالیم سای بابا کار اشتباهی است:

«اگر اعتقاد دارید که می‌توانید لطف ایزدی را صرفاً به عنوان نذر کردن، روزه گرفتن، حمد و ستایش و ... از آن خود کنید، متأسفانه سخت در اشتباهید. تنها امر لاینفک و لازم عشق است.

روزه بدون ضبط نفس، قوه درک را ضعیف می‌کند و قوه تمییز را کاهش می‌دهد.».

۴] – چهار؛ عیسی مسیح

بدون شک سای بابا از عیسی مسیح عَلَیْهِ السَّلَام و تعالیم مسیحیت متأثر است و آن را در موارد مختلف به صورت علنی و آشکارا اعلام می‌کند که تنها به یکی از آن موارد اشاره می‌شود:
«عیسی رحم و شفقتی بود که در قالب انسان تَجَلّی نمود. او نور رحم و شفقت را پراکند و پریشانی و درد را تسلی بخشید. او با مطلع شدن از رنج پرندگان و چهارپایان در معبد اورشلیم فروشندگان را توبیخ و سرزنش کرد و حیوانات را آزاد ساخت.» مسأله گرایش سای بابا به مسیحیت تا بدان حد روشن است که گردآورنده کتاب تعلیمات، در پایان آن در ۱۲۸ مورد، ضمن بیان گزیده‌ای از عهد جدید، شباهت سخنان و تعالیم سای بابا را با فرازهایی از کتاب مقدس مسیحیت نشان می‌دهد.

۵] – پنج؛ قدرت‌های معنوی

یکی از مسائل مهمی که در بیشتر عرفان‌ها به ویژه عرفان‌های هندی و مرتاضان مطرح است، قدرت‌های خارق‌العاده است:
اولاً، بسیاری از این قدرت‌ها که گزارش می‌شود، پوشالی، دروغ و خالی از واقعیت است.
اما در بعضی از آنها مثل پرواز در فضا، ذهن‌خوانی یا طی الارض می‌توان به واقعیت آنها در مواردی که قطعاً اثبات گردد، اذعان کرد؛
ثانیاً، در برخی توانایی‌های خارق‌العاده که واقعیت آنها ثابت شود باید گفت اینها خاصیت نفس است.
یکی از سنن الهی اینست که اگر نفس را محدود کنیم و آن را به گونه‌ای خاص تمرین داده و تربیت کنیم، قدرت‌ها و توانایی‌های نهفته آن آشکار می‌شود. بنا بر این، این گونه حرکات خارق‌العاده از ویژگی‌های نفس انسانی است که می‌توان آنها را با تمرین به دست آورد. ابن سینا در این باره مباحث جالبی را مطرح ساخته است.
ثالثاً، نکته مهم‌تر این که باید توجه داشت قدرت‌های معنوی و حرکات خارق‌العاده در حد خودش، نه عرفان است و نه نشانه‌ای از عرفان راستین. عرفان حقیقی چیزی جز تقرب و معرفت به خدا نیست. هدف از عرفان، معرفت حقیقی به ذات الهی، بندگی، رسیدن به حریم قدس ربوبی و تقرب است:
«جن و انسان را نیافریدم مگر برای آن که مرا پرستش کنند» (ذاریات / ۵۶). البته اگر انسان در مسیر معنویت راستین و تقرب الهی قرار گیرد، در طی مسیر به او هدایا و جوایزی خواهند داد که ممکن است یکی از آنها قدرت‌های خارق‌العاده باشد؛ ولی باید توجه داشت که اینها هدف نیست، بلکه فقط وسیله‌ایست برای یاری انسان‌ها و نزدیک سازی آنان به آسمان ربوبی. همچنین باید توجه داشت که هر کس به این توانایی‌ها و قدرت‌ها توجه کرد و آنها را برای خود هدف قرار داد، از همان لحظه سقوط و انحطاط او آغاز می‌شود.
وبلاگ خروش

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم
جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)
با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید

بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگـانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-IR۹۰ ۵۳-۰۶۰۹به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج – به سندش، از امام حسین علیه السلام –: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».